

سازمان‌های غیردولتی شیعی در آفریقا

و نقش آنها در توسعه جایگاه فرهنگی و اقتصادی زنان*

معمدرضا شکیبا

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، عضو هیأت پژوهشی مرکز مطالعات آفریقا‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

با گذشت بیش از پنج دهه از استقلال آفریقا، زنان همچنان غایب بزرگ زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه به شمار می‌روند. البته این امر بدین مفهوم نیست که آنها در آن زمینه‌ها تلاش نمی‌کنند، بلکه از نظر عرف و قانون، اجازه حضور فعالانه در جامعه، برخورداری از حق مالکیت و ارث در برخی نقاط و فرهنگ‌ها از آنها سلب شده است.

خوشبختانه مبارزه در راه برابری حقوق زنان نه تنها در کشورهای اسلامی آفریقا، بلکه در بسیاری از جوامع دیگر همواره رنگ دینی و مذهبی گرفته و از آن منظر مورد استقبال قرار گرفته است. از این رو، طرح ادعای مغایرت این‌گونه فعالیت‌ها با آموزه‌های دینی منصفانه نیست. متأسفانه چون برخی از علاقه‌مندان به تلاش‌های دینی در آفریقا شناختی از جنبش‌های نوین دینی ندارند، با تکیه بر معلومات ناکافی پیشین خود از جنبش‌ها، بر این باورند که «جنبش زنان» در آفریقا وجود نداشته و یا امری غیردینی محسوب می‌گردد. این نتیجه‌گیری غلط یا به دلیل عدم رضایت آن تحلیلگران از تلاش‌های دینی زنان و یا به دلیل کند بودن پیشرفت آن تلاش‌هاست.

کلیدواژه‌ها: جنبش زنان شیعی، آفریقا، سازمان غیردولتی، فرهنگ، فقر و

خسونت.

مقدمه

همزمان با تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چند دهه اخیر در آفریقا، مسئولیت و کارآیی زنان در کشورهای آفریقایی فزونی یافته و پیوندها و روابط آنها گسترده‌تر شده است. رخدادهای چند دهه اخیر در آفریقا موجب تحول اساسی در زندگی زنان شده و بحرانی جدی را به وجود آورده است که از آن جمله می‌توان به افزایش شهرنشینی، طلاق و خانواده‌های زن سرپرست، محرومیت از آموزش، گسترش پدیده کودکان خیابانی و افزایش خشونت نسبت به زنان اشاره کرد.

اکنون فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن برای زنان و به‌ویژه پیروان اهل‌البیت علیهم‌السلام بیش از گذشته است؛ زیرا آموزه‌های تشیع همخوانی بیشتری با رویکردهای نوین اخلاقی و الزامات جهانی شدن دارد. گفتنی است در تمامی گزارش‌ها و تحلیل‌ها از سازمان‌های زنان آفریقایی، عبارت «جنبش ضروری و در حال رشد و در عین حال پرخطر و تنش‌زا» به چشم می‌خورد؛ زیرا این جنبش تغییر ساختاری جوامع آفریقایی را هدف گرفته و در جست‌وجوی ساختن عالمی نو با ارزش‌ها و فرهنگی متفاوت از گذشته است. (عرب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰-۲۵۲) همین امر آنها را به حضور بیشتر در اجتماع و اجرای نقش مهم‌تر تشویق می‌کند. حتی برای کشورهای محافظه‌کار نیز گریزی از این پدیده نیست. در آفریقای زیرخط صحرا بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در این زمینه فعال شده و به توانمندسازی زنان کمک می‌کنند.

سازمان‌های غیردولتی اسلامی نماد بیداری اسلامی و فعال شدن جوامع اسلامی بر اساس نیازها و توانمندی‌ها بوده و آثار مفیدی در آینده خواهند داشت.

(Bakari, 1994, P.224) علاوه بر بخش‌های آموزشی و اقتصادی که در این زمینه تلاش جدی مبذول می‌دارند نهادهای اطلاع‌رسانی مانند «آین» (EIN) در شاخ آفریقا و «میزا» (Miza) که یک خبرگزاری مستقل زنان در شرق و جنوب آفریقا محسوب می‌شود در این زمینه فعالیت جدی دارند. در غرب آفریقا نیز سازمان‌های پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام در زمینه همکاری با رسانه‌ها به‌ویژه در بخش زنان کوشا هستند. در نیجریه سازمان «فوموان ۳» (Levitzion, 2000, P.407) و در سنگال گروه «یوی ویوو» (Haynes, 1996, PP.153-154) در زمینه توانمندسازی زنان کار می‌کنند. ویژگی این سازمان‌ها تلفیق نگاه دنیایی با آموزه‌های دینی و افزایش قدرت زنان با توجه به رسالت و مسئولیت هر قشر است. هرچند باید گفت حضور زنان که در دوران پسااستعمار عمدتاً جنبه تشریفاتی داشت، به تدریج در جوامع آفریقایی محسوس‌تر شده است. (Levitzion, 2000, PP.405-407)

اهداف این مقاله را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. ارائه گزارشی ملموس از ماهیت، ساختار، اهداف، مسائل مالی و تأثیر سازمان‌های غیردولتی شیعی در آفریقا با عنایت به توزیع جغرافیایی آنها؛
۲. توضیح چرایی تفاوت این بخش از حیث اندازه و مشخصات با سازمان‌های غیراسلامی در کشورهای مختلف و شناخت عوامل تقویت یا موانع توسعه آنها؛
۳. ارزیابی تأثیر و فواید این سازمان‌ها؛
۴. شناسایی موجودیت این مجموعه نهادها و افزایش آگاهی‌های عمومی درباره آنها به منظور ایجاد حساسیت در بخش‌های علاقه‌مند به امور تبلیغی و پشتیبانی از آنها؛

۵. نگاهی به سازمان‌یافتگی آنها؛ بدین معنا که تشکل تا چه حد نهادینه شده و تثبیت یافته و آینده آن چگونه است.

تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی دینی در آفریقا را می‌توان از سه منظر ماهیت، خروجی و نیز نحوه تلاش‌هایی که صورت می‌دهند و یا بدان تمایلی نشان نمی‌دهند و همچنین ضرورت آنها مورد بررسی قرار داد.

طرح موضوع و حدود آن

به باور مسئولان سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا، زنان به عنوان نیمی از جامعه بشری باید از حقوق انسانی خود برخوردار گردند تا بتوانند به وظایف مهمی که در قوام و استمرار خانواده دارند عمل نمایند. (تارنمای سازمان جهانی کار)* اما سالیان درازی است که بسیاری از جوامع آفریقایی این حقوق را نادیده گرفته‌اند.

اینکه مشاهده می‌شود بیش از یک سوم زنان آفریقا تحت انواع گوناگون خشونت‌ها از جمله سوء استفاده‌های جنسی، تجاوز، قحچاق و ضرب و شتم قرار می‌گیرند از یک سو، ناشی از فرهنگ مردسالار و از سوی دیگر، ناشی از فقر و عدم حمایت دولت‌ها از اقشار آسیب‌پذیر و به‌ویژه زنان است. این پدیده در تنش‌های قومی، جنگ‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی و اقتصادی فزونی یافته و زبان‌های بیشتری به همراه دارد که بهترین مثال آن سومالی، سودان، لیبیا و کنگو است. (chazon, 1999, P.214) زنان متأسفانه در هر سن و صنفی ممکن است قربانی خشونت و بدرفتاری افراد خانواده، قبیله و جامعه قرار گیرند. حتی پیرزن‌ها که باید

* Iot: The Changing role of Africa's women.

مورد احترام باشند در برخی دوران‌های سختی و عسرت به اتهام جادوگری دستگیر و به شدیدترین وضع تنبیه می‌شوند. البته در سه دهه اخیر حضور زنان در بخش‌های گوناگون جامعه مشهودتر شده و آنها نقش مؤثر و مثبت خود را ایفا می‌کنند. (عرب‌احمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰-۲۵۲)

در دهه‌های اخیر نهادهای دینی نیز در زمینه توانمندسازی زنان فعال شده و سازمان‌های اسلامی متعددی در این زمینه کار می‌کنند. حتی بحث فمینیسم نیز از سوی پژوهشگران مطرح شده و از فمینیسم اسلامی و مسیحی نیز سخن به میان آمده است. البته در آفریقا نهادهای مربوط هیچ‌گاه واژه «فمینیست اسلامی» را به کار نبرده‌اند، ولی مخالفان آنها (از جمله برخی گروه‌های افراطی) از اینکه آنها را بدین نام خطاب کرده و نوعی دلسردی از تلاش آنها در مردم به وجود آورند، ابایی ندارند. در واقع، زنان آفریقا چنان گرفتار مسائل اساسی هستند که فرصت پرداختن به اندیشه‌های غیرواقعی و زن‌گرایانه افراطی را ندارند.

برخی دانستنی‌ها در مورد آفریقای زیر خط صحرا

آفریقای زیر خط صحرا متشکل از ۴۲ کشور با جمعیتی حدود هفتصد میلیون نفر است. نژاد مردم سیاه بوده و به استثنای سواحل آفریقا که اسلام را در همان قرون اولیه پذیرفته و بدان عمل کردند، آشنایی نقاط داخلی با اسلام در قرن‌های نوزده و بیست حاصل گردید. از نظر اقتصادی، کشورهای زیر خط صحرا به استثنای سه کشور در جنوب (آفریقای جنوبی، نامیبیا و بوتسوانا) از فقیرترین و کم‌توسعه یافته‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شوند. ۹۰ درصد از قربانیان مالاریا را ساکنان کشورهای زیر خط صحرا تشکیل می‌دهند. تقریباً نیمی از مردم آفریقای زیر خط صحرا در فقر

مطلق و با روزی کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند. (Chazon, 1999, PP.326-327)

کمبود منابع مالی، فقدان زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی و نیز کمبود کادر پزشکی، مهم‌ترین عوامل افزایش قربانیان مالاریا در قاره آفریقا شناخته می‌شوند و در این میان، کودکان و زنان باردار بیشترین تعداد قربانیان مالاریا را تشکیل می‌دهند.

(تارنمای اخبار سلامتی، شماره ۳۰۳۰)

در این قاره سالانه چندین میلیون دختر آموزش‌های رازآموزی را فرا گرفته و ختنه می‌شوند که یک درصد آنها را خطر مرگ تهدید می‌کند. همچنین محرومیت زنان از آموزش، بهداشت، حقوق عادلانه و امکانات اقتصادی هنوز رفع نشده و آنها از این ناحیه زیان بسیار می‌بینند.

طبق اصول عرفی و سنت‌های قاره آفریقا، اگرچه باید به زنان احترام گزارد و رضایت آنها را در امور خانواده جلب کرد، ولی اطاعت و فرمان‌برداری زنان از مردان غیرقابل مناقشه بوده و یک اصل قلمداد می‌گردید. از این‌رو، در اجتماع سنتی وظایف زنان از پیش تعیین شده بود: فرزندآوری و تربیت آنها تا مقطعی خاص برای رفاه قبیله. در آفریقای تاریخی زنان از بدو تولد تا لحظه مرگ به عنوان فردی غیرمسئول در نظر گرفته شده و جایگاه آنها با توجه به شخصیت مردان خانواده‌شان مانند پدر، همسر و پسر (در مورد زنان بیوه) تعیین می‌گردید. (نشریه پست کامرون، ۲۰۰۷/۱۰/۱۱)

سخن سعداوی، یکی از متفکران مصری، در خصوص جایگاه و اهمیت زنان در کشورهای عربی را می‌توان با کمی اغماض در مورد کشورهای آفریقایی نیز به کار برد: «دشمنی و کینه‌توزی، بخشی از سرشت مردان شده است تا بتوانند از دارایی خود

حقوق و شرایط زنان در سنت‌های آفریقا

از دیدگاه سعداوی، جهان برساخته مردان چنین است:

۱. تقسیم عقل به بخش‌هایی گسسته که در هر بخش، حقایق متناقضی گنجانده

است؛

۲. باور به فرودستی زنان و نادیده گرفتن دستاوردهای حضور زنان در تمدن

نوین؛

۳. جنسیت در نگاه مردان گناهی است که حوا (به عنوان نماد زن) اساس آن را بنا

نهاد؛

۴. مالکیت، ارزش انسان را مشخص می‌کند و همواره در این دیدگاه، مالک (مرد) از

مملوک (زن و کودک) برتر است.

واقعیت این است که شیوه سنتی نگاه به زنان، که اکنون نیز شماری از قبایل و

حتی کشورها بر ادامه آن اصرار و پافشاری دارند، دارای کاستی‌هایی است که دیگر

استمرار آن ممکن نبوده و باید در آن تجدید نظر شود.

اینک چندی است که زنان مسلمان آفریقا و شاید سایر کشورهای اسلامی

در وضعیت دوگانگی روحی برای انتخاب میان آموزه‌ها و قوانین اسلامی

و دستاوردهای فرهنگ حاکم غرب در خصوص زنان به سر می‌برند. آنها

ضمن پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی و سنت‌های اجتماعی خود، به عدالت

جنسیتی، اهمیت آموزش و ضرورت حضور فعال در جامعه نیز باور داشته و به

دلیل افزایش مسئولیت و مشکلات زندگی مجبورند این دو را با یکدیگر تلفیق

کنند.

زنان آفریقایی و اقتصاد خانواده

زنان در آفریقا امروزه علاوه بر ادامه روش سنتی زندگی به اختیار و یا اجبار، پذیرای مسئولیت‌های جدیدتر شده و با مشکلات بیشتری در خانواده و جامعه مواجهند. از این‌رو، به دلیل افزایش مسئولیت در خانواده، برای بسیاری از آنها کسب درآمد، پس‌انداز و تأمین مالی آینده خود و خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. زنان در تاریخ آفریقا به‌طور سنتی، تسلط چندانی بر مدیریت مالی و تلاش‌های اجتماعی و اقتصادی خود نداشته و از آن بابت نیز چندان نگران نبوده‌اند؛ زیرا سنت‌های قبیله‌ای آینده آنها را در حد توان قبیله تأمین می‌کرد. (دیوید سون، ۱۳۵۸، ص ۵۴۵-۵۴۳)

به گفته رئیس انجمن زنان مسلمان سیرالئون، هفتاد درصد زنان آن کشور بی‌سواد بوده و به همان مقدار نیز محروم می‌باشند. این امر در مورد زنان جوامع اندک شیعی آفریقا نیز صدق می‌کند و زندگی آنها با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. از این‌رو، در سه دهه اخیر سازمان‌های متعدد غیردولتی حامی زنان از سوی آن جوامع و یا خود زنان برای کمک به بانوان و خانواده‌های آنها تأسیس شده‌اند تا به رفع مشکلات آنها اقدام ورزند.

به طور کلی، باید گفت: مبارزه طولانی سازمان‌های غیردولتی زنان آفریقا طی پنج دهه پس از استقلال، اگرچه با دشواری و مرارت بسیار همراه بوده، ولی دستاوردهای گران‌بهایی برای زنان به طور ویژه و آفریقا به طور اعم به همراه داشته است. حتی برخی از پژوهشگران جنبش زنان را از عوامل مؤثر تحول در آن خطه به شمار

بی‌گمان، نقش زنان در مشارکت و توسعه جوامع آفریقایی مفهومی فراتر از حضور و تحمل دشواری‌های زندگی و فرزندآوری دارد؛ چراکه نسل‌ها در دامان آنان پرورش می‌یابند. زنان علی‌رغم نقش محوری که در تمامی عرصه‌های سازندگی دارند، در همهٔ جوامع، اعم از کشورهای پیشرفته صنعتی، در حال توسعه و یا توسعه‌نیافته، از فقیرترین اقشار محسوب می‌شوند. (آفریکانا، ص ۲۰۱۷) در این میان، باید توجه داشت که بررسی مسائل زنان به معنای جداسازی و تفکیک امور زنان از مردان نیست، بلکه شناسایی موانع محرومیت جامعه از مشارکت فعالانه آنهاست.

جنبش آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی زنان آفریقایی

توجه به جایگاه زنان به طور ویژه پس از استقلال، به دلیل غلبه اندیشه‌های عرفی و سنتی برای مدتی در آفریقا مطرح نبود و دولت‌مردان آفریقایی بهبود شرایط کلی جامعه را مد نظر داشتند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کردند. حتی تا دو دهه پس از استقلال نیز موضوع زنان و جایگاه آنها در اجتماع در قالب یک رویکرد کلی پیگیری شده و به صورت جداگانه بدان عنایتی نمی‌شد.

در جوامع آفریقایی هنوز در کنار برخی پیشرفت‌های برابری‌طلبانه در قوانین، مشکلات بسیاری برای زنان وجود دارد که زندگی را برای آنها دشوار می‌سازد. در آن سرزمین، خشونت علیه زنان آشکار بوده و بسیاری از زنان مورد ضرب و شتم، تجاوز و بی‌مهری قرار می‌گیرند. (Kurimto and Simones, 1998, PP.152-154) از نظر آموزشی، هنوز ضرورت برخورداری از آموزش برای دختران مورد توجه کامل قرار نگرفته و حقوق آنان به رسمیت شناخته نشده است. بهره زنان در آفریقا از آموزش،

بهداشت، حضور در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی، حق استخدام و پذیرفته شدن در اجتماع، و دارا بودن استقلال در اموری که حق و شأن آنان است، اندک می‌باشد و همین امر موجبات کم‌کاری آنها را در جامعه، فساد اخلاقی و سپس عدم توسعه‌یافتگی قاره را فراهم آورده است. همه این موارد، توانمندی، عدالت و خیرخواهی دستگاه‌های قضایی آفریقا را زیر سؤال برده و حاکمیت عادلانه دولت‌ها را خدشه‌دار می‌سازد.

بخشی از این نارسایی به دلیل غلبه سنت‌ها و ارزش‌های قبیله‌ای و مردسالارانه و برخی به دلیل برداشتهای ناصحیح از آموزه‌های دینی در آیین‌های الهی است. (Haynes, 1996, P.167) به نظر می‌رسد که گروه‌های تبشیری در این خصوص شجاعت بیشتری از خود نشان داده و به اصلاح خطاها و اشتباهات گذشته اقدام کرده‌اند. در همین زمینه، پاپ ژان پل دوم، رهبر مسیحیان جهان، در نامه‌ای در سال ۱۹۹۵ از زنان به دلیل اشتباهاتی که کارگزاران کلیسا در مورد آنها رواداشته بودند معذرت‌خواهی کرد. پس از آن، رویکرد جدیدی برای رفع اشتباهات گذشته و بهبود شرایط زنان آغاز گردید. (Bowker, 1997, P.1042)

حاکم بودن نگرش مردانه نسبت به زنان در آفریقا

واقعیت این است که در تمامی کشورهای آفریقایی و در جمع گروه‌های اسلامی، در خصوص زنان یک گفتمان مردانه (الخطاب الذکوروی) حاکم است و بزرگان دینی از دیدگاه خود به مسائل اندیشیده و راه حل ارائه می‌دهند. (Levit Zion, 2000, P.397) به همین دلیل، برخی سازمان‌های زنان مسلمان رادیکال در کشورهای سنگال و

نیجریه، چالش با رهبران دینی و مفتی‌ها را در خصوص جایگاه و حقوق زنان یکی از وظایف اصلی خود قلمداد می‌کنند. (Haynes, 1996, P.238) برای مثال، علی‌رغم مشکلات فراوان زنان مسلمان نیجریه، از جمله نداشتن امنیت خانوادگی، انکار حق تملک و میراث، بی‌توجهی به آموزش دختران، ضعف چشمگیر حضور آنها در بخش‌های دولتی و نهادهای تصمیم‌گیری و بی‌توجهی به حقوق زنان و کرامت انسانی آنها، شورای عالی اسلامی نیجریه در سال گذشته طرح ممنوعیت سوارشدن زنان در سه‌چرخه‌های حمل و نقل (تارنمای بی بی سی فارسی، شماره ۲۰۰۵/۱۲/۱۴) را تصویب کرد و از طریق پلیس‌های دینی به اجرا گذارد که نه تنها راه‌حل مناسبی نبود، بلکه نشانگر بی‌توجهی مسئولان دینی به شرایط مردم بود که با اعتراض و عدم اجرا روبه‌رو گردید.

طرح مسائلی همچون جلوگیری از حضور زنان در نماز جمعه، اعلام کراهت خواندن سوره یوسف برای زنان، منع خروج زنان از خانه، سکوت در خصوص ختنه زنان و بی‌توجهی به حقوق آنها در خانواده و جامعه موجب وهن اسلام در نزد مردم و پیروان دیگر ادیان شده است. در حالی که برخی از موارد مزبور، چندان مبنای فقهی نداشته و مبتنی بر باورهای قبیله‌گرایانه است. از این رو، با توجه به شرایط کنونی این امکان وجود دارد که با ارائه راه‌حل‌های مناسب، برخی از تصورات نادرست در خصوص زنان را از ذهن مردم زدوده و مردم را از سرگردانی نجات داد. (تارنمای بی بی سی، ۲۰۰۵/۷/۱۱)

علی‌رغم نقش مهمی که زنان آفریقایی در اقتصاد خانواده دارند، دستمزدی در قبال این فعالیت‌ها دریافت نکرده و حتی از احترام لازم نیز برخوردار نمی‌شوند. در

حقیقت، زنان در تمام کشورهای آفریقایی نقش اقتصادی را نیز در کنار نقش همسری و مادری ایفا کرده و بار سنگین مشکلات خانواده را بر دوش می‌کشند. گفته‌ی آقای مزروعی مبنی بر اینکه زنان کنترل سه عنصر خاک، آب و آتش را برعهده دارند نشان از گستردگی مسئولیت و تلاش آنها دارد. (آفریکانا، ۹۵، ص ۷۴۰) اما در کل، زنان برای کسب درآمد فرصت‌های محدودتری را در مقایسه با مردان در اختیار دارند. البته در ساختار اقتصادی کشورهای آفریقایی حتی برای مردان نیز درآمدزایی دشوار است و در این میان، زنان باید همزمان با وجود دشواری‌های اجتماعی و تبعیض‌ها، برای اداره امور خانواده در این بازار آشفته با مردان رقابت کنند. با این همه، تعدیل شرایط اجتماعی در آفریقا و اجرای عدالت جنسیتی در این قاره، هم ضروری و هم ممکن است. دولت‌های آفریقایی برای حفظ امنیت و ثبات خود و رسیدن به اهداف مورد نظر، از جمله اهداف هزاره، چاره‌ای جز رفع بی‌عدالتی‌ها و پذیرش حقوق زنان ندارند و دیگر نمی‌توانند به دلیل فرهنگی و سنتی سلطه مردها بر زنان و سلطه دولت بر شهروندان را وجهه قانونی بخشیده و اجازه انتقاد و بازنگری در تصمیمات و خواسته‌های دولتی را از آنها دریغ کنند.

بحث اشتغال زنان همواره به عنوان شاخص مهم در ارزیابی توسعه کشورها مطرح می‌شود؛ شاخصی که میزان توسعه‌یافتگی کشور را از لحاظ استفاده از منابع انسانی نشان می‌دهد. معدود کشور توسعه‌یافته‌ای را می‌توان یافت که آمار اشتغال زنان در آن پایین باشد و نیز معدود کشور فقیر و توسعه‌نیافته‌ای وجود دارد که آمار اشتغال زنان در آن بالا باشد. زنان جوامع شیعی آفریقا نیز در امر مشارکت در امور اقتصادی و تهیه معاش خانواده فعال می‌باشند، با این تفاوت که آنها به دلیل رویکرد

مردانه حاکم بر آن گروه و همچنین غفلت عمومی، از مزایای آموزشی کم بهره بوده و عموماً به کارهای طاقت‌فرسا و در عین حال کم‌بازده بسنده می‌کنند. از این‌رو، بدون عنایت ویژه از سوی سازمان‌های غیردولتی و برخی کشورهای اسلامی امکان برون‌رفت آنها از شرایط نامناسب کنونی وجود ندارد. گفتنی است برخی سازمان‌های زنان سکولار و یا تبشیری علاقه‌مند به همکاری و بهبود شرایط آنها می‌باشند؛ امری که موجب بیگانگی زنان مذکور با اندیشه‌های دینی خواهد شد. این پدیده را در بخش آموزش متوسطه و دانشگاه‌ها به خوبی می‌توان مشاهده کرد. امروزه بحث اشتغال زنان به عنوان یکی از شاخص‌های مهم سنجش میزان قدرت زنان نیز مطرح شده و گروه‌هایی که بیشترین زنان را در دستگاه‌ها و نهادها داشته باشند از فرصت بیشتری برای طرح مسائل خود برخوردار می‌شوند. اگرچه سازمان‌های غیردولتی زنان شیعه در این زمینه گام برمی‌دارند، ولی نقش و جایگاه کنونی آنها در مقایسه با دیگر گروه‌های زنان اندک و ناچیز است. حتی پژوهش‌ها و بررسی‌های اخیر نشان داده است که حضور زنان در ساختار قدرت و نقش و موقعیت آنان در تقسیم کارهای حوزه خصوصی و خانوادگی نیز با موضوع اشتغال گره خورده است.

میزان زنان باسواد و متخصص در آفریقا نسبت به کل جمعیت بسیار کم است و در بسیاری از کشورها، باسوادان کمتر از تقریباً ۴۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. زنان تحصیل‌کرده شیعه بومی نیز شمار اندکی را تشکیل می‌دهند. (Bakari, 1994, P.314-316) خوشبختانه چندی است که سازمان‌های پیرو اهل بیت (علیهم‌السلام) در زمینه آموزش علمی و حرفه‌ای زنان فعال شده و توانمندسازی آنها را هدف گرفته‌اند.

خشونت علیه زنان

به گزارش سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان در تمامی کشورهای جهان مشاهده شده است و رفع آن نیاز به آموزش مردم و اجرای قوانین دارد. خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر قلمداد شده و از موانع اصلی دستیابی به توسعه و عدالت جنسیتی تلقی می‌شود و تا زمانی که خشونت علیه زنان در جوامع ادامه داشته باشد، نمی‌توان به تربیت صحیح فرزندان و ایجاد خانواده ارزش‌مدار و توسعه‌یافته دست یافت.

به ادعای سازمان عفو بین‌الملل که در گزارشی پیرامون خشونت علیه زنان انتشار یافت، «خانه» مکانی بسیار خطرناک برای زنان جهان معرفی شده است. (تارنمای سازمان عفو بین‌الملل)

در این زمینه، در کشورهای آفریقایی که حمایت‌های قانونی از زنان، ناکارآمد است، شدت و دامنه خشونت گسترده‌تر است. البته شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم از عوامل مؤثر در اعمال و یا جلوگیری از خشونت علیه زنان به شمار می‌روند.

سازمان‌های پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا تا حدی در امر توانمندسازی زنان برای مقابله با خشونت و افزایش آگاهی آنان تلاش کرده و بخش‌های حقوقی و پزشکی برای مبارزه با این پدیده تأسیس کرده‌اند. «سازمان وکلای زن شیعه» در تانزانیا، کنیا، آفریقای جنوبی و نیجریه فعال بوده و در جهت احقاق حقوق زنان و کاهش آن پدیده نكوهیده تلاش می‌کند. در این زمینه، حمایت علما و شوراهای ائمه جمعه و جماعات آفریقا می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد. (Bakari, 1994, PP.224-226) یکی از وظایف مهم سازمان‌های غیردولتی زنان اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا در جهت کاهش

خشونت، مبارزه با فقر و تنگدستی زنان است. به باور بسیاری از مسئولان آن سازمان‌ها، فقر دیگر مشکلات را برای زنان و خانواده‌های آنها به همراه داشته و به همین دلیل، مبارزه با فقر بزرگ‌ترین چالش آن سازمان‌ها قلمداد می‌گردد. اگرچه مبارزه با فقر در حوزه مسئولیت کشورهای قاره بوده و یکی از راه‌های نیل به توسعه پایدار و از اهداف اصلی مبارزه محسوب می‌گردد، اما جوامع شیعی آفریقا از تلاش‌های فقرزدایی دولت‌ها چندان بهره‌ای نبرده و مسئولان جوامع شیعی خود در جهت رفع آن بلیه تلاش‌هایی را آغاز کرده‌اند.

از جمله فعالیت‌های سازمان‌های اهل‌البیت (علیهم‌السلام) در آفریقا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. رفع برخی مشکلات مادی زندگی جوامع شیعی با ارائه کمک‌های جنسی به مناسبت‌های دینی و حفر چاه آب بدین منظور که هم مشکلات خود را رفع کرده و هم به همسایه‌های غیردینی خود کمک کنند.

۲. تشکیل صندوق قرض‌الحسنه برای ارائه وام به خانواده‌های نیازمند با هدف مبارزه با فقر و ترویج روحیه تعاون اسلامی؛

۳. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آگاه کردن زنان و توانمندسازی آنها به منظور بهره‌وری آنها از امکانات محدودی که در اختیار دارند؛ از جمله زمین، فروشگاه و مانند آن؛

۴. افزایش دسترسی به بهداشت برای بهبود سلامت انسان‌ها و کاهش مرگ و میر در بین نوزادان و کودکان، از طریق فراهم آوردن امکانات پزشکی مستمر و یا سیار برای جوامع اسلامی؛

۵. اطمینان از اینکه کودکان، اعم از دختر و پسر، بتوانند دوره کامل دبستان را طی کنند و به کلیه سطوح آموزش و پرورش دسترسی برابر داشته باشند. به همین منظور، مدارس شیعی متعددی با امکانات هر چند ضعیف در اقصا نقاط آفریقا تأسیس شده‌اند که نقش مؤثری در ارتقای فرهنگ شیعی داشته و البته نیازمند عنایت بیشتر هستند.
۶. فراهم آوردن امکان دسترسی به منابع کشاورزی برای زنانی که از زمین برخوردار هستند. در همین زمینه، توانمندسازی و مبارزه با فقر خانواده‌ها، اولویت دادن به حفر چاه آب و آموزش اصول بهداشتی دینی معنا پیدا می‌کند.
۷. افزایش دسترسی خانواده‌های شیعی به غذا و تأمین حداقل مایحتاج آنها به مناسبت‌های مختلف. یکی از فراخوان‌های مهم سازمان‌های زنان شیعی در ماه‌های مبارک رمضان و محرم اهدای بسته‌های حاوی مواد غذایی به نیازمندان است.
۸. فراهم آوردن امکانات آموزش متوسطه و (به میزان کمتر) آموزش عالی، برای زنان شیعه در قاره و یا دیگر کشورهای اسلامی به منظور توانمندسازی زنان و افزایش حضور آنها در جوامع خود.

عدالت جنسیتی در آفریقا

نهادهای و سازمان‌های غیردولتی اسلامی همراه با دولت‌های آفریقایی برای تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها راه‌کارهایی ارائه داده‌اند که تا حدی مؤثر واقع گردیده است. آنها توانسته‌اند با تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده، تهیه و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان، تدوین و عملیاتی کردن برنامه

جامع توسعه مشارکت زنان و اعمال برخی امتیازها برای سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی و همچنین افزایش تأسیس تشکل‌های زنان، به برخی از خواسته‌های خود نایل آیند. اکنون می‌توان امیدوار بود که به تدریج مردم مسلمان و به‌ویژه شیعیان آفریقا به سطح مقبولی در جامعه دست یافته و نسبت به انجام رسالت خویش توانمند و مؤثر باشند. گفتنی است که حضور شیعیان اکنون در برخی از بخش‌های آفریقا از جمله نیجریه و تانزانیا مشهود و ملموس بوده و مردم و مستولان، ضمن پذیرش حضور آنها به دنبال گسترش افزایش راه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز آنها هستند. ذکر این نکته نیز ضروری است که گروه‌های اسلامی و به‌ویژه شیعی، به برابری زنان و مردان و حتی عدالت جنسیتی باور نداشته و در این خصوص با پیروی از سنت‌های آفریقایی و یا عرف، به برخی ضرورت‌های دنیایی و تحولات آن بی‌توجه هستند.

زنان و رسانه‌ها

رسانه‌های غربی رویکرد متصفانه و مناسبی نسبت به شرایط زنان مسلمان جهان و به‌ویژه آفریقا نداشته و همواره با ارائه تصویری ناصحیح و به غایت تیره از زندگی آنها اذهان مردم جهان را نسبت به فرهنگ و تمدن اسلامی مخدوش می‌سازند. در حالی که زنان مسلمان و به‌ویژه شیعه آفریقا در امر فرهنگ‌سازی و آگاه‌کردن جامعه تأثیر بسزایی دارند. (Levitzion, 2000, PP.407-408) همین رویکرد را ارباب جراید غربی نسبت به زنان سایر کشورهای جهان سوم داشته و در تحقیر مردم جهان سوم برنامه‌ریزی می‌کنند. در این زمینه، نیاز به تلاش گسترده در جهت کاهش تأثیرات رسانه‌ای غرب احساس می‌شود.

اکنون این موضوع توسط رسانه‌ها تبلیغ می‌شود که مسلمانان اهمیتی به زنان نداده، حقوق آنها را نادیده می‌گیرند. البته باید اذعان نمود که سلوک مسلمانان و حتی رفتار علما با همسران خود، بیشتر تحت تأثیر تربیت قبیله‌ای بوده و در این زمینه تعالیم حیات‌بخش اسلام مورد غفلت قرار گرفته است. خوشبختانه در هزاره سوم سازمان‌های زنان مسلمان و شیعه توجه بیشتری به رسانه مبذول داشته و در جهت طرح مسائل اسلامی و شیعی در جرأید و رسانه‌ها می‌کوشند؛ از جمله در طی سه ماه سوم سال میلادی بیش از بیست مطلب از سوی شیعیان در شبکه «آل افریقا» منتشر شده که کاری کم سابقه بوده است. از نظر نشریات نیز بخش‌های شیعی در شرق و غرب آفریقا فعال بوده و مطالب خود را به اطلاع عموم می‌رسانند. آنها همچنین دارای امکانات رادیو و تلویزیونی در شرق و جنوب هستند که بخشی از آن توسط زنان اداره شده و برنامه‌های آگاه‌کننده برای زنان دارد. (از گزارش رایزنان فرهنگی دارالسلام، نایروبی و پرتوریا)

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بیشرفت‌های جنبش زنان

در آفریقا سه دهه است که گام‌هایی در عرصه برابری میان زنان و مردان برداشته شده و به مرور زمان این تلاش‌ها فزونی می‌یابد. در این زمینه، تصحیح نگاه جنسیتی در آفریقا اگرچه سابقه اندک، ناپایدار و محدودی داشته، ولی به مرور زمان مؤثر واقع گردیده و بهبود شرایط زنان را سبب شده است. پس از استقلال، عنایت به زندگی زنان و بهبود شرایط آنها با کمک و تشویق سازمان‌های بین‌المللی به تدریج باب شده است. البته تعمیم یافتن این تلاش‌ها نیازمند حمایت مادی و معنوی بخش‌های

مزبور است. به همین دلیل و بنا به ضرورت حضور جدی زنان در جامعه است که اتحادیه آفریقا بارها بر بهبود شرایط و جایگاه زنان تأکید کرده و قرار است در اجلاس ژانویه ۲۰۰۸ موضوع برابری جنسی در آفریقا و تلاش‌های دولت‌ها را مورد بررسی جدی و ارزیابی قرار دهد. (کتاب سبز آفریقای جنوبی، ۱۳۷۳، ص ۴۰) لازم به تأکید است که دولت‌های آفریقایی به‌شدت از مدت‌ها قبل از سوی اتحادیه آفریقا، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و به‌ویژه تشکل‌های طرفدار حقوق زنان، تحت فشار قرار گرفته‌اند تا به این تقیصه سامان بخشند.

تأکید بر حقوق زنان از سوی سازمان‌های دولتی

در دوران پس از استقلال و با حاکم شدن دولت‌مردان و اندیشه بومی، جوامع آفریقایی به تدریج با وخامت شرایط اقتصادی روبه‌رو شدند و نابسامانی‌ها افزایش یافت. گسترش شهرنشینی و فناوری‌های نوین ارتباطی موجب آگاه شدن زنان از میزان محرومیت خود و افزایش مطالبات آنها از حکومت و حتی اطرافیان گردید. از این‌رو، موضوع بهبود شرایط و جایگاه زنان در اذهان مردم و دولت‌مردان قوت گرفت و اقداماتی در آن زمینه صورت پذیرفت. در نتیجه، به دلیل بازپالایی جایگاه زنان در آفریقا و اعاده حقوق آنها، در دهه‌های اخیر دولت‌ها، نهادهای علمی و فرهنگی دینی به این امر اهتمام نموده و سازمان‌های متعددی در آن زمینه شروع به کار کرده‌اند. به دلیل آنکه این امر مورد حمایت کشورهای غربی است، بودجه‌ارائه شده مشوق بسیاری برای تأسیس و کار در این زمینه شده است. متأسفانه در زمینه آگاه‌سازی زنان، نقش و جایگاه تلاش‌های گروه‌های اسلامی، اندک و ناکافی بوده است.

تاریخچه سازمان‌های غیردولتی

تاریخچه سازمان‌های غیردولتی در شرق و غرب آفریقا به دهه هفتاد باز می‌گردد. در واقع، پس از استقلال، شرایط زندگی مردم تغییر و تحول بسیار یافته و شرایط نامتعادل زندگی بسیاری را نگران ساخته بود. از سوی دیگر، برخی سازمان‌های بین‌المللی و وابسته به غرب احساس می‌کردند که رقیب آنها، یعنی بلوک شرق، فرصت‌های طلایی برای رخنه در آفریقا را به دست آورده و به زودی قاره به جرگه هواداران و دوستان آنها خواهد پیوست. از آن‌رو که غرب به دلیل پیشینه بد استعماری چندان مورد علاقه مردم و دولت‌مردان آفریقایی نبود و مردم بسیاری از نابسامانی‌های قاره را ناشی از استعمار می‌دانستند، اقبال آنها به بلوک شرق طبیعی بود. گفتنی است که پس از استقلال، جنبش‌های چپ و رادیکال فرصت خوبی برای تبلیغ در آفریقا پیدا کردند و در رواج اندیشه خود کوشیدند.

(Selassie, 1991, PP.1-4) *ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

در چنین شرایطی، سازمان‌های خیریه‌ای همچون پزشکان بدون مرز، مؤسسه بین‌المللی حمایت از زنان، صلیب سرخ و سپس هلال احمر و مانند آنها از اولین سازمان‌هایی بودند که در شرق، غرب و جنوب آفریقا به کار مشغول شدند. علاوه بر این سازمان‌ها که وظایف منطقه‌ای و قاره‌ای داشتند، سازمان‌های محلی و منطقه‌ای نیز در آفریقا تلاش‌های ویژه داشتند. البته علی‌رغم نگاه دنیایی و تبشیری بسیاری از سازمان‌های غیردولتی، در کارآیی و سودرسانی بسیاری از آنها نباید تردید داشت.

هدف سازمان‌های غیردولتی

هدف سازمان‌های غیردولتی در کل، تغییر جهان و پدید آوردن جهانی دیگر با شرایط عادلانه‌تر است. هدف اغلب سازمان‌های غیردولتی در آفریقا در مرحله نخست، تحقق اهداف هزاره در جوامع آفریقایی می‌باشد. سازمان‌های زنان شیعی نیز تحقق آن اهداف را ضروری دانسته و با نگاه دینی همان موارد را پیگیری می‌کنند. این اهداف عبارتند از:

۱. ریشه کن کردن گرسنگی و فقر شدید مردم؛
۲. عملی ساختن امکانات گسترش آموزش ابتدایی همگانی؛
۳. ارتقای برابری جنسیتی و افزایش توانمندی زنان؛
۴. کاهش میزان مرگ و میر کودکان؛
۵. بهبود بهداشت مادران؛
۶. مبارزه با گسترش بیماری ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌های خطرناک؛
۷. توجه ویژه به حفظ محیط زیست؛
۸. فراهم آوردن امکانات تشریک مساعی در توسعه جهانی.

باید گفت که جنبش زنان آفریقا علی‌رغم تلاش بسیار، هنوز در ابتدای راه است و به اهداف خود نرسیده. حتی حرکت جهانی زنان (W.M.W) نیز در ابتدای راه بوده و از سال ۱۹۶۰ به وجود آمده است. (گپدنز، ۱۳۸۱، ص ۲۱۷) این امر بدان علت است که تغییر ساختاری بینش جهانی در خصوص زنان کار ساده‌ای نبوده و نیازمند تلاش و فداکاری بسیار است. در همایش نایروبی که گروه‌های بسیاری از زنان از اقصا نقاط گیتی و آفریقا در آن شرکت کرده بودند، مسائلی

که مطرح گردید نشان از پرشمار بودن مشکلات زنان و ناهموار بودن راه نیل آنها به خواسته‌های قانونی و اصولی آنها داشت. شرکت‌کنندگان با اشاره به برخی از مسائل از جمله بهره‌ناچیز زنان از آموزش، فقر، اقتصاد، رسانه، بهداشت، فرصت‌ها و قوانین، خواستار توانمندسازی زنان در هزاره جدید شدند.

تنوع فعالیت‌های سازمان‌های جامعه مدنی در آفریقا

سازمان‌های زنان پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام در تمامی زمینه‌ها و بخش‌های قاره فعال هستند. این نهادها علاوه بر خدمات آموزشی از جمله آموزش کودکان، زنان و دختران بازمانده از تحصیل، در ارائه خدمات بهداشتی و نیز خدمات کارگزاری برای زنان، در موضوعات مهم سرنوشت کشورشان نقش برآزنده و فعالی داشته‌اند. برای مثال، این سازمان‌ها در فرایند تدوین قوانین حقوق بشر و نیز در روند برنامه‌ریزی‌های مالی برای توانمندسازی زنان، تشویق زنان به شرکت در انتخابات و حتی پذیرش نامزدی برای مجلس تلاش ویژه داشته و دارند. البته اگرچه زنان بیشترین استقبال را از رأی‌گیری دارند، ولی به طور کلی بهره‌آنها اندک و حضورشان چالش‌برانگیز است. (Newell, 1996, P. 40-42) گفتنی است در این زمینه سازمان‌های پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام که در هزاره جدید علاقه‌مند به تلاش‌های سیاسی شده‌اند، چنانچه آن روند را ادامه دهند می‌توانند در انتخابات رأی لازم را به دست آورند.

تأکید بر حقوق زنان از سوی سازمان‌های دولتی

واقعیت این است که زنان و کودکان در بسیاری از بخش‌های آفریقا به دلیل بی‌توجهی به قوانین و شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی در معرض همه‌گونه آزار و سوء استفاده و حتی بردگی قرار دارند. این پدیده بدون توجه جهانی و عنایت دولت‌ها، از آن خطه ریشه‌کن نخواهد شد. آقای کوفی عنان، دبیر کل پیشین سازمان ملل، در یک سخنرانی به مناسبت روز جهانی لغو بردگی، به این مطلب اشاره کرده بود که جهان در آستانه قرن بیست و یکم همچنان با انواع قدیمی و حتی گونه‌های جدید بردگی مواجه است. این پدیده شامل انجام کارهای ناشایست، فحشا، و نیز فروش و سوء استفاده از کودکان است. در واقع، در آغاز قرن بیست و یکم، میزان توسعه و عدالت‌جویی دولت‌ها، با نحوه رسیدگی و توجه آنان به مسائل زنان محک زده می‌شود که یکی از عرصه‌های اصلی چالش‌های آنان نیز می‌باشد. وضعیت جدید جامعه بین‌المللی نشان‌دهنده آن است که کشورهای غربی خواهان تحمیل دیدگاه‌های خاص خود به دیگر کشورها هستند. یکی از این بهانه‌ها بهبود شرایط زنان و اعطای حقوق برابر به آنان است.

گفتنی است که علاوه بر سازمان‌های تخصصی مجمع عمومی ملل متحد، نشست‌هایی نیز به منظور ارزیابی منظم شرایط زنان جهان و به‌ویژه آفریقا برگزار می‌شود. در این نشست‌ها گهگاه راه‌حلی‌هایی ارائه می‌گردد که در عین الزامی بودن، مغایر با آموزه‌های اسلامی است. از این‌رو، با مخالفت نهادهای دینی روبه‌رو می‌شود. البته برخی از آن مغایرت‌ها به دلیل سیطره روحیه دنیوی شدن (سکولاریسم) بر سازمان‌های جهانی و برخی ناشی از ناآگاهی نهادهای رسمی اسلامی در آفریقا

می‌باشد. از این رو، بررسی شرایط زنان و رفع کاستی‌ها در سازمان‌های ذی‌ربط و از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، تأثیر مثبت و مؤثر بر تشکل‌های اسلامی خواهد داشت. سازمان‌های زنان غیردولتی در آفریقا چنین وانمود می‌کنند که شرایط زنان در آفریقا نامناسب بوده و زنان آفریقا از نتایج همایش‌های بین‌المللی و از جمله همایش پکن بهره‌مند نشده‌اند. البته سازمان‌های اسلامی زنان در آفریقا نمی‌توانند چندان به دستاوردهای همایش پکن دلخوش باشند؛ زیرا برخی مفاد آن مغایر با آموزه‌های اسلامی است. ولی به هر حال، سازمان‌های زنان اهل‌البیت علیهم‌السلام به این واقعیت آگاه شده‌اند که بدون همکاری با دیگر سازمان‌های زنان در کار خود موفق نخواهند بود.

نگاهی به توان سازمان‌های زنان در توانمندسازی آفریقا

یکی از نمونه‌های همکاری و اتحاد زنان شیعی، جنبش زنان موسوم به «فاطمه زهرا» است که در کنیا آغاز شده و سپس در بسیاری از کشورهای آفریقایی شکل گرفته و در جهت بهبود شرایط زنان اهل‌البیت علیهم‌السلام تلاش می‌کنند. سازمان‌های زنان پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا نشان داده‌اند که می‌توانند با پذیرش هنجارهای رفتاری مشخص و تعیین‌کننده در زمینه‌های مختلف، آنها را اجرا کرده و ترویج دهند. زنان ضمن سازماندهی خود، به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه و کشور قادرند توان بالقوه نیمه دیگر را تشویق کرده و آنها را در مسیر صحیح توسعه حمایت کنند. همواره نقش دوگانه زنان در خانواده و اجتماع این فرصت را چشمگیرتر ساخته است. زن با بهره‌مندی از خصایل، استعدادها و روح لطیف انسان‌گرایی در پی ایجاد آرامش برای هر دو محیط است. پس توسعه کشورهای در حال رشد برای زنان نقشی دو سویه به همراه دارد و در این میان نقش زنان در اجتماع کنونی آفریقا پررنگ‌تر و در صورت

تلاش جدی استعدادهایشان بارورتر می‌شود. در اغلب کشورهای آفریقایی، گروه زنان مسلمان، گروه خواهران مسلمان، جمعیت زنان طریقت، اتحادیه جمعیت زنان مسلمان و کمیته زنان شورای عالی امور اسلامی فعالیت دارند. این گروه‌ها بیشتر پشتیبان تلاش‌های اسلامی بوده و رنگ مذهبی روشنی ندارند. از این رو، می‌توان به حمایت آنها امیدوار بود.

ضرورت تغییرگفتمان حاکم بر جنبش زنان آفریقا

یکی از اهداف جنبش زنان آفریقایی اصلاح قوانین حاکم بر جامعه است. آنها بر این باورند که سنت و عرف دیگر کارکرد گذشته را نداشته و باید راه‌کارهای جدیدی برای حمایت از زنان انتخاب و از طریق مجاری قانونی تصویب کرد. در حقیقت، بخشی از نیروی جنبش زنان در آفریقا صرف آگاه‌سازی جامعه و مردان نسبت به حقوق زنان و ضرورت احترام به آنها می‌شود. (Levit Zion, 2000, PP.400-408) بسیاری بر این عقیده‌اند که جنبش زنان در آفریقا بیش از آنکه یک مبارزه مقطعی و صنفی باشد یک تلاش مبتنی بر فرهنگ‌سازی است و لازم است چند نسل ادامه یابد؛ از جمله اینکه زنان حامی آن نظریه باید امر آموزش را از نزدیکان خود آغاز کنند. در واقع، آگاه‌سازی زنان موجب می‌شود که آنان به تدریج به فرزندان خود لزوم احترام به زنان را آموزش داده و یادآور شوند. (Mazrui, 1993, PP.681-682) البته یکی از مشکلات سازمان‌های پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا در حال حاضر تبلیغات ناصحیح غرب در خصوص تروریست قلمداد کردن شیعیان است. این مسئله تا حدودی به کارهای آن سازمان‌ها ضربه زده و برای آنها محدودیت ایجاد کرده است. سازمان‌های غیردولتی زنان شیعی می‌کوشند ضمن افزایش استقلال خود، فعالیت‌های بومی خود را نیز به گونه‌ای مستقل اداره کنند.

سازمان‌های زنان شیعی در آفریقا اگرچه به برابری حقیقی و حقوقی زن و مرد در تمامی امور معتقد نیستند، ولی بر این باورند که عدالت و انصاف در روابط و جامعه باید تحقق یابد. به باور آنها، حتی در بسیاری از قوانین، نابرابری در عرصه‌های مختلف به نابرابری در برخورداری از منابع و فرصت‌ها تعمیم یافته و نگاه قوانین به زن و خانواده به عنوان مایملک و منابع مرد می‌باشد. البته ظرفیت‌های زیادی در قوانین اساسی کشورهای آفریقایی برای زنان وجود دارد که دست نخورده مانده است. از این‌رو، باید با کارهای فرهنگی در دانشگاه‌ها و بخش‌های آموزشی و با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برای رفع مشکلات زنان تلاش کرد و مطمئن بود که با کار کارشناسی و استفاده از آموزه‌های دینی، به‌ویژه مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام، این مشکلات قابل رفع است. در این زمینه، سازمان‌های غیردولتی زنان اهل‌البیت علیهم‌السلام کارگاه‌های آموزشی و همایش‌های متعددی در طول سال برگزار کرده و در افزایش آگاهی زنان و مردان تلاش می‌کنند.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جنبش زنان مسلمان و شیعه

در جنبش زنان مسلمان و شیعه در آفریقا بسیاری از زنان با نگاه‌های بنیادگرایانه شرکت و فعالیت می‌کنند. البته این بنیادگرایی به معنای بازگشت به آموزه‌های اصیل دینی بوده و با سنت‌های قبیله‌ای آفریقا پیوندی ندارد. این واقعیتی است که زن آفریقایی در برزخ سنت و مدرنیته به سر می‌برد، و اگر تلاش‌های سازمان‌های اسلامی و شیعی نباشد آنها به بیراهه‌های دیگر کشیده خواهند شد.

در جوامع آفریقایی که کشاکش بین سنت و مدرنیته وجود دارد، زنان به عنوان

گروهی که تحت بیشترین فشار سنت و مذهب و حکومت مذهبی قرار گرفته‌اند نقش برجسته‌تری در گذار به مدرنیته پیدا می‌کنند. آنها می‌توانند به عنوان بخشی از پرچمداران گذار به مدرنیته باشند. همچنین ویژگی جهانی شدن امروزه به گونه‌ای است که زنان نمی‌توانند فقط از فرهنگ بومی خودشان تغذیه کنند؛ آنها به طور غیرمستقیم مصرف‌کننده و مروج فرهنگ جهانی هستند. بسیاری از زنان آفریقایی پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام اکنون احساس می‌کنند که مشکل آنها فقط حکومت‌های آفریقایی نیستند، بلکه باید با ساختار قبیله‌سالاری نیز که به استمرار شرایط نامعقول گذشته می‌انجامد، مبارزه کنند. در دو دهه اخیر همکاری بین گروه‌های شیعی و سنی در برخی مناطق افزایش و در برخی مناطق کاهش یافته است. از جمله، در تانزانیا گروه نویسندگان شیعه و سنی موسوم به «ورشاء» همکاری نزدیک و مثبتی با یکدیگر دارند. (عرب احمدی، ۱۳۸۴، ۱۳۵)

سازمان‌های زنان به مثابه سرمایه بزرگ اجتماعی در آفریقا

تمرکز سازمان‌های شیعی فعال در آفریقا بر امور زنان و مسائل اقتصادی یا بحران‌های حاصل از منازعات دینی و نژادی و خشونت سیاسی سبب شده است که دغدغه‌های آنان منحصر به مسائل کشور خودشان نباشد و دیدگاه‌های وسیع‌تر با رویکردهای فراگیر را در خود پیروانند. در جریان منازعات رواندا و بروندی گروه‌های زنان شیعه تلاش شایسته‌ای در جهت همکاری با آسیب دیدگان آن منازعه انجام دادند. به دلیل آنکه آن سازمان‌ها فقر را «شدیدترین نوع خشونت» می‌خوانند و خشونت جنسی به زن را نیز به فقر و خشونت‌های دیگر، مانند خشونت جنگ و

درگیری‌های قومی، پیوند می‌زنند؛ از این‌رو، یکی از اهداف اولیه آنها توانمندسازی زنان از نظر اقتصادی و ارائه کمک‌های حقوقی به آنهاست. سازمان‌های مهم زنان شیعه تاکنون توانسته‌اند در بسیاری از کشورهای آفریقایی مانند مصر، تانزانیا، کنیا، نیجریه، آفریقای جنوبی، سنگال و زیمبابوه به راه‌اندازی پروژه‌هایی دست بزنند که اعضا و هدایت آنها را زنان بومی همان کشورها به عهده دارند. این پروژه‌ها به‌ویژه در جهت افزایش مهارت‌های شغلی زنان و درآمدزایی مؤثرند. برخی از آنها به تربیت نیروهای متخصص زن، مانند پزشک، پرستار، استاد دانشگاه، متخصص کامپیوتر، حسابدار و مانند آن اختصاص داشته‌اند. سازمان زنان حضرت فاطمه زیمبابوه، کنیا، سیرالئون و اوگاندا از آن جمله‌اند.

مهم‌ترین سازمان‌های غیردولتی اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا

از جمله سازمان‌های مهم اهل‌البیت علیهم‌السلام در سراسر آفریقا، سازمان‌های غیردولتی موسوم به «زنان فاطمه زهرا علیها‌السلام» می‌باشد. این سازمان‌ها که عموماً در سه دهه اخیر و پس از انقلاب اسلامی ایران تأسیس شده‌اند، از طریق کمک‌های شیعیان اداره می‌شوند. این سازمان‌ها در ابتدا توسط گروه‌های هندی و لبنانی و یا با حمایت آنها تأسیس شده، به فعالیت‌های آموزشی اشتغال ورزیدند. پس از مدتی، شماری از دختران تیزهوش و علاقه‌مند آنها در کشورهای اسلامی بورسیه شده و در علوم اسلامی آگاه و صاحب‌نظر شدند. برخی از آن بانوان در بخش‌های آموزشی مشغول به کار شدند و برخی دیگر نیز به تأسیس سازمان‌های زنان اقدام کرده و در افزایش آگاهی زنان کوشیدند. مهم‌ترین اهداف آنها عبارتند از:

۱. افزایش آگاهی زنان و بهبود شرایط خانواده؛
 ۲. آگاه ساختن جامعه به حقوق زنان و منافع ناشی از توجه به حقوق و جایگاه زنان؛
 ۳. تأکید بر آموزش دختران و زنان از ابتدایی تا مراحل دانشگاهی به همراه دیگر آموزش‌های دینی و اجتماعی؛
 ۴. توانمندسازی اقتصادی زنان و تلاش برای قانونمند کردن حق مالکیت و ارث آنها؛
 ۵. حمایت از زنان آسیب‌دیده و ارائه راهنمایی لازم به آنها؛
 ۶. کمک و یاری زنان و خانواده‌های نیازمند؛
 ۷. ارائه کمک و مشاوره به زنان و خانواده‌های مبتلا به ایدز؛
 ۸. برگزاری کلاس و کارگاه آموزشی و همایش برای آگاه‌سازی زنان و تبادل تجربه؛
 ۹. کمک به دختران و زنان مسلمان برای حضور در بخش‌های دولتی، غیردولتی و سیاسی.
- سازمان‌های غیردولتی شیعی زنان در آفریقا در تمامی زمینه‌ها فعال هستند. حتی برخی مانند مؤسسه «ولی عصر(عج)» در تانزانیا و یا «بلال میشن» در شرق آفریقا دارای تلاش‌های همه‌جانبه هستند. (WIPAHS: Serving humanity to bring peace, [love and unity.wipahs.com](http://loveandunity.wipahs.com)) برخی از این سازمان‌ها به شکل غیرعلنی نیز به فعالیت در خصوص توانمندسازی زنان و بهبود شرایط و جایگاه آنان دست زده‌اند. در واقع، کمک به توانمندسازی زنان یکی از وظایف خطیر آن سازمان‌ها به شمار می‌رود که به

آن اهتمام ویژه دارند. البته آنان موضوع توانمندسازی زنان و حفظ استقلال و اعلام برابری آنها را به طور آشکار بیان نمی‌کنند؛ زیرا به دلیل ساختار قبیله‌ای و یا برخی تعصبات دینی، مردم آفریقا کمتر اجازه می‌دادند که سازمان‌های مذکور در آن زمینه اقدام کنند. از ویژگی مهم سازمان‌های زنان شیعی در آفریقا این است که آنها کمتر به طور مستقل کار می‌کنند و به دلایل دینی و اقتصادی مجبورند تحت سرپرستی یک سازمان بزرگ‌تر به تلاش‌های ویژه خود ادامه دهند. (تارنمای فدراسیون شیعیان خوجه، ۲۰۰۳/۴/۱۰) به همین دلیل، شاید بتوان گفت که هنوز سازمان‌های زنان پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا به مرتبه بلوغ خود نرسیده و تکامل لازم را نیافته‌اند. سازمان زنان حضرت فاطمه علیها‌السلام در شرق آفریقا، از جمله آنهاست. سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی نیز به درستی درک کرده بودند که بهبود شرایط قاره و حتی اعتلای کار آنها بدون تمرکز تلاش‌ها بر روی زنان آفریقا مؤثر نخواهد بود. برای مثال، مؤسسه خیریه ولی‌عصر (عج) در تانزانیا از سال ۱۹۸۷ شروع به ارائه خدمات آموزشی به دختران شرق و جنوب آفریقا کرد و برای یک و نیم دهه آن برنامه را ادامه داد. آنها سپس در سال ۲۰۰۵ با افزایش بخش‌های جدید اقدام به پذیرش دانش‌آموزان پسر در مقطع دبیرستان کردند.

بخش‌های تبشیری نیز همین رویکرد و اولویت را قایل هستند؛ با این تفاوت که آنها به دلیل برخورداری از امکانات بیشتر مادی و جلب نظر دولت‌مردان، سریع‌تر به ارائه خدمات به مردان جامعه اقدام می‌کنند.

شعبه «بلال میشن» شرق آفریقا که اکنون از پرتلاش‌ترین گروه‌های پیرو مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام در آفریقا به شمار می‌رود، در سال ۱۹۶۴ تأسیس شده و در هر کشور

آفریقایی فعالیت جداگانه داشته است. مرکزیت آن به دلیل علاقه‌مندی و دانش علامه سید اختر رضوی، معطوف به وی و در دارالسلام بوده و ایشان تا زمان ارتحال، مدیریت افتخاری آن مرکز را به عهده داشت. برای اداره مناسب مرکز، همه ساله انتخاباتی صورت می‌گیرد و افراد علاقه‌مند انتخاب شده و در جهت گسترش فرهنگ پیرو مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام) تلاش می‌کنند. برای خوجه‌ها که پس از استقلال به دنبال نوعی هویت تازه و همگامی با مردم بومی بودند تأسیس این سازمان فرصتی را فراهم آورد که به ترویج مبانی دینی خود در میان مردم پرداخته و سپس همگامی مذهب و سیاست را نیز به نوعی آشکار سازند؛ گرچه شیعیان خوجه به طور رسمی به شدت مخالف دخالت مذهب در امور دینی بوده و معتقد به تفکیک قوانین قیصر و مسیح (علیه‌السلام) می‌باشند.

مؤسسه آموزشی ولی‌عصر (عج) (ویپاز) (World Islamic Propagation and Humanitarian Services) به منظور تضمین موفقیت اصولی در دستیابی به اهداف مورد نظر خود، اقدام به ارائه رویکردی نموده است که مطابق بخش‌های به وجود آمده در حیطه‌های غیردولتی، تقویت و تغذیه می‌شوند. مطابق این رویکرد، آموزش مناسب و عملی بانوان و حمایت کامل از آنها در اجتماع، نخستین مرحله از راه انداختن عوامل تغییر و تحوّل فکری و اقتصادی در جامعه آفریقا محسوب می‌شود.

در مرحله بعد، با گسترش تماس این افراد با یکدیگر، فضای جدیدی برای رشد و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی و رشد افکار دینی پدید می‌آید. نوآوری‌های بسیاری در زمینه‌های توسعه اجتماعی در شرق آفریقا از این طریق به وجود آمده

است. پس از آن نیز نوبت به فراهم آوردن امکانات گوناگون، به‌ویژه امکانات آموزشی و دینی، تسهیلات و مجموعه‌های عملیاتی و اجرایی می‌رسد، که نتیجه ساختارسازی و کارهای زیربنایی در این زمینه و در سطوح اجتماعی هستند. (تارنمای بلال آفریقا) این قبیل کارهای اساسی امکان تبدیل شدن شبکه‌های ایجاد شده را به یک بخش جدید فراهم می‌آورد؛ بخشی که می‌توان آن را «جامعه مدنی دینی» در آفریقا نامید. این سازمان همچنین در جهت توانمندسازی افراد ناتوان، به‌ویژه کودکان، در دارالسلام و آروشا فعال است. فلسفه تشکیل این سازمان‌ها بر این اساس است که بهترین راه برای انجام تغییرات در جامعه، تقویت کارآفرینی اجتماعی و ایده‌های خلاق دینی و اجازه مدیریت بومی و گروهی به افراد است.

منابع مالی این سازمان از طریق افراد، نهادها و شرکت‌های خصوصی در سراسر دنیا تأمین می‌شود. با توجه به اهمیتی که آن سازمان‌ها برای مشارکت مردمی و به دور از مراقبت‌ها و مناسبت‌های دولتی قایل هستند، از دریافت کمک از مؤسسات و نهادهای وابسته به دولت‌ها خودداری می‌کنند. (از مصاحبه نگارنده با رؤسای مؤسسه بلال میشن آروشا و نایروبی و مومباسا در تهران در خلال مناسبت‌های مختلف) طرح‌هایی این‌چنین، در کنار پذیرش مستعدترین افراد و تأمین مالی طرح‌های آنان تا زمان راه‌اندازی و سوددهی، تا به حال در رشد خودجوش و مستقل جوامع گوناگون تحت نظارت مؤسسه ویپاز موفق بوده است. (ماهنامه محجوبه، ش ۲۰۲۱۰)

نگرش ویژه سازمان‌های دینی به امر آموزش، شرایط ایجاد تغییراتی بنیادین در نظام‌های کشورهای آفریقایی را پدید آورده است. این سازمان‌ها معتقدند به جای

کشاندن کودکان به مدارس، باید مدارس را به محل زندگی آنان آورد.* آنها سعی می‌کنند موضوعاتی از قبیل تقویت احساس همدردی و شناخت اجتماعی در کودکان، و توانمندسازی آنان برای استفاده از فناوری روز را در برنامه‌های آموزشی خود بگنجانند. این سازمان‌ها در زمینه‌های حقوق بشر نیز به تقویت نظام‌های قضایی مستقل و پاسخگو در کشورها پرداخته، و مسئولیت‌پذیری عمومی در حل مسائل عمومی حقوق بشر در کشورهای تحت حمایت را توسعه می‌دهند. رویکرد سازمان‌های غیردولتی شیعی در مسائل آموزشی و بهداشت عمومی نیز به نحو ویژه‌ای علاوه بر بخش‌های درمانی، شامل پیشگیری شده و بر رفع بی‌سوادی و همچنین دسترسی به اقشار محروم در نقاط دورافتاده تأکید می‌ورزند. (تارنمای شیعیان خوجه آفریقا)

همچنین نگرش به توسعه اقتصادی نیز مبتنی بر فراهم نمودن خدمات مالی برای تمامی افراد جامعه، ارائه امکانات برای بهبود وضعیت اقتصادی مناطق روستایی،** و تدارک درآمد کاری از طریق مشارکت در کارهای تولیدی در میان سازمان‌های غیردولتی شیعی است.*** آن سازمان‌ها همه ساله با اعزام گروه‌های پزشکی سیار به اقصا نقاط آفریقا، در چادرهای صحرایی به مداوای نیازمندان می‌پردازند که نتیجه خوبی نیز داشته است.

از دیگر سازمان‌های مهم زنان شیعی در آفریقا می‌توان از «شبکه اطلاع‌رسانی

* در آروشا مؤسسه بلال مدارس دینی را در میان قبیله‌نشین‌های ماسایی و در زیر چادر برگزار می‌کند.

** از نمونه‌های مهم آن می‌توان به جهاد سازندگی در کشورهای تانزانیا، غنا، سودان و سیرالئون اشاره کرد.

*** برای مثال، کلاس خیاطی و رایانه که توسط رایزنی‌ها و دیگر سازمان‌های شیعی برگزار می‌گردد.

اهل البیت (علیهم السلام) نام برد که مرکز آن نایروبی است و علاوه بر شرق و جنوب آفریقا، با دیگر بخش‌های جهان نیز در زمینه زنان همکاری دارد. (تارنمای خواهران اهل بیت) این سازمان غیردولتی در سال ۲۰۰۰ تأسیس شده و هدف آن بهبود شرایط زنان از طریق آگاهی‌رسانی می‌باشد. سازمان غیردولتی دیگری که در جنوب آفریقا فعال بوده و آینده روشنی دارد، سازمان اهل البیت آفریقای جنوبی (AFOSA) است که با رویکرد جدیدی در جهت بهبود شرایط زنان پیرو مکتب اهل البیت (علیهم السلام) به تعامل با دیگر پیروان اسلام و مسیحیت برخاسته و با پدید آوردن فضای دوستانه در ارتقای جایگاه دینی زنان می‌کوشد.

رویکردهای جنبش زنان پیرو اهل البیت (علیهم السلام)

جنبش زنان شیعه که در قالب سازمان‌های غیردولتی امکان بروز و تجلی یافته، اهداف مادی و معنوی روشنی دارد و رهبران آن سازمان‌ها به حقانیت و موفقیت راه خود ایمان دارند. آنها از یک سو، با نارسایی‌های قانونی و عرفی جوامع مبارزه می‌کنند و از سوی دیگر، در تنویر اذهان زنان و افزایش آگاهی آنان می‌کوشند. آنها همچنین ضمن احترام و تبعیت از آموزه‌های مذهبی، برخی انتقادات را از علمای آفریقایی دارند که گهگاه به رنجش علما می‌انجامد.

از این رو، امروزه بیش از هر زمان دیگری، برگزاری گردهمایی‌های مربوط به زنان، به ایجاد هماهنگی بین گروه‌های زنان شیعه و رهبران و حتی دولت‌مردان کمک می‌کند. در گردهمایی‌هایی که در هزاره سوم در آفریقا برگزار شده موارد زیر مورد عنایت قرار گرفته است:

۱. تقویت جنبه علمی و فرهنگی گروه‌های زنان با تشکیل کارگاه‌های آموزشی در سطح محلی و برقراری سلسله بحث‌های علمی چندجانبه بین فعالان زن و علمای دینی منطقه؛

۲. تلاش در جهت رفع فقر مادی و فرهنگی زنان مسلمان آفریقا و به‌ویژه شیعیان از طریق توانمندسازی آنها؛

۳. تأکید بر اهمیت و نقش زنان در خانه و جامعه و ضرورت رعایت عدالت در همه امور؛

۴. فراهم آوردن امکانات بهتری برای زندگی؛

۵. افزایش امکانات آموزشی در آفریقا در مقایسه با کشورهای غربی؛

۶. کاهش دشمنی و خصومت بومیان نسبت به هندی‌ها و لبنانی‌ها؛

۷. آموزش خانواده‌های مسلمان برای رعایت احترام و حقوق فرزندان.

البته شیوه سنتی نگاه به زنان، که اکنون جماعت خوجه و شیعیان بومی بر آن اصرار و پافشاری دارند، دارای کاستی‌هایی است که باید بدان پرداخته شود، وگرنه در آینده وضعیت آنان را با مشکلات جدی‌تر روبه‌رو خواهد ساخت. کمیته‌های تبلیغ و ترویج دین در سراسر قاره با توجه به داشتن افرادی علاقه‌مند و متعهد در جهت رفع شبهات و مشکلات تلاش کرده و به آگاه‌سازی جوامع شیعی از طریق موعظه، کتاب و سخنرانی اهتمام دارند. آنان طی سال‌های گذشته چندین کتاب‌فروشی و مرکز آموزشی نسبتاً مناسب برای شیعیان خوجه در شرق آفریقا فراهم کرده‌اند. هدف کمیته مزبور تقویت روحیه دینی زنان و افزایش آشنایی آنان به اصول و مبانی آیین تشیع می‌باشد. در نیجریه - که بزرگ‌ترین جمعیت شیعی را دارد - مشکلات زمانه و سنت‌های

غالب قبیله‌ای هنوز فرصت تفکیک سازمان‌های شیعی را برای زنان فراهم نکرده است، وگرنه آن کشور مستعد حضور و فعالیت سازمان‌های زنان بوده و آینده زنان شیعه در غرب آفریقا به انسجام و اقدام عاجل زنان پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام نیجریه وابسته است.

علاوه بر چند سازمان اصلی که در بالا ذکر شد، برخی از سازمان‌های مهم پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام که در بیشتر کشورهای آفریقایی فعالیت می‌کنند عبارتند از:

سازمان‌های زنان دانشگاهی مسلمانان؛ این سازمان‌ها در تمام آفریقا فعال و پر تلاش بوده و در جهت افزایش سهمیه دختران دانشجو و رفع مشکلات آنها گام بر می‌دارند. البته اعضای این سازمان‌ها به دلیل وابستگی دینی و فکری خود دارای پیوندهایی با خارج از دانشگاه بوده و برای همفکران خود کمک دریافت کرده و افراد را راهنمایی و حمایت می‌کنند.

سازمان‌های زنان معلم پیرو اهل‌البیت؛ این سازمان‌ها نیز در کل آفریقا فعال بوده و هدف آنها علاوه بر پیگیری خواسته‌ها و مطالبات صنفی خود، کمک به دانش‌آموزان دختر و رفع مشکلات آنهاست. این سازمان‌ها نیز بنا به وابستگی‌های دینی و فکری خود دارای بخش‌های متعدد بوده و بر آن اساس کار و برنامه‌ریزی می‌کنند. گفتنی است که سازمان‌های معلمان تیشیری در آفریقا بسیار فعال هستند.

سازمان‌های زنان حقوقدان پیرو اهل‌البیت؛ این سازمان‌ها به کمک افراد حقوقدان زن و مرد شیعی در جهت توانمندسازی زنان فعالیت کرده و بهترین نمونه آن کشور کنیا می‌باشد.

متأسفانه علی‌رغم اهمیت برخی تلاش‌ها، از جمله محیط زیست، مسائل هنری و همکاری‌های بین‌المللی، گروه‌های شیعی در آن زمینه‌ها ضعیف عمل کرده و تلاش

چندانی ندارند؛ در حالی که به دلیل بودجه نسبتاً معتناهی که برخی سازمان‌های بین‌المللی در آفریقا هزینه می‌کنند دوستی و همکاری با آنها برای بخش‌های شیعی مفید و مؤثر است. زنان پیرو مذاهب مختلف در بسیاری از کشورهای آفریقا در زمینه‌های تخصصی مانند انجمن دانشگاهیان، وکلا و پزشکان، تشکیل یک جبهه را داده و از یکدیگر حمایت می‌کنند.

رتوس تلاش سازمان‌های شیعی در آفریقا

در خصوص تلاش‌های سازمان‌های پیرو مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام) در آفریقا سه نکته حایز اهمیت است:

۱. ضرورت انجام تلاش‌های گسترده عام‌المنفعه در خصوص زنان؛
 ۲. بررسی رویکرد دولتی‌ها و دیگر سازمان‌های زنان با توجه به اقدامات انجام شده؛
 ۳. بررسی نتایج حاصل از آنها بر اساس اهداف و چشم‌اندازها و رفع کاستی‌ها.
- خوشبختانه موضوع برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی در میان سازمان‌های پیرو مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام) باب شده و آنها به کمک برخی نهادهای داخلی و بین‌المللی و به مناسبت اعیاد و وفات بزرگان دینی بدان مهم اقدام می‌کنند. از این‌رو، می‌توان گفت که تقریباً در هر ماه چند هم‌اندیشی و نشست در آفریقا برگزار شده و مسائل مهم مطرح و اندیشه‌ها و تجربه‌ها بازگو می‌گردد. البته هنوز جای کار در آن قاره بسیار و نیازمندی‌ها فراوان است. گفتنی است که بسیاری از سازمان‌های اسلامی به برابری جنسیتی و یا حتی عدالت جنسیتی باور نداشته و نوع خاصی از مقام و ارزش را برای زنان قایل شده و به برتری مردها در خانواده و اجتماع باور تام دارند. با این حال، مسائلی مانند آموزش، بهداشت، حق مالکیت، و احترام به زنان را

برای نیل به توسعه و صلح ضروری دانسته و بر آن اساس تلاش می‌کنند. به باور آنها، یکی از وظایف مهم زنان حفظ خانه و خانواده و سرپرستی نسبت به همسر و فرزندان است. متأسفانه در دنیای امروز جایگاه خانواده به تدریج رنگ می‌بازد و این امر زیان بسیار برای فرد و جامعه دربر دارد. اسلام اهمیت بسیاری برای خانواده قایل است؛ تعیین نقش افراد و تأمین حقوق آنها در آنجا مشخص می‌گردد. حتی تعریف وظایف زن به عنوان مادر، همسر و عضو مؤثر اجتماع و لزوم رعایت حجاب و دوری از فساد اخلاق و کردار برای حفظ جامعه و سلامت افراد، در خانواده صورت می‌گیرد. گفتنی است هدف اصلی پیروان مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام آموزش اصول دین و آشنا کردن زنان به وظایف اسلامی خویش است. از این‌رو، در آن سازمان‌ها اقدام‌های بهداشتی و آموزشی و رفاهی تنها برای افزایش روحیه دینی صورت می‌گیرد. آنها به توانمندسازی زنان در مقابل مردان نه تنها اعتقاد ندارند، بلکه با آن مخالفت هم می‌کنند. البته در جوامع آفریقایی حتی خود زنان نیز در جست‌وجوی تشکیل یک جبهه در مقابل مردان و چالش با آنها نبوده و هدفشان بیشتر افزایش قدرت و رفاه خانواده است. (Mazrui, 1993, PP.18-20)

ارزیابی برنامه‌ها

از ویژگی‌های مثبت سازمان‌های پیرو مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام این است که همه ساله ضمن ارزیابی برنامه‌ها، اهداف آینده را مرور کرده و کاستی‌ها را رفع می‌کنند. آنها همچنین عملکرد مالی سال گذشته و برآورد مالی سال آینده را مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌دهند. البته یکی از چالشی‌ترین مسائل همایش‌های سالانه، بررسی درآمدها و هزینه‌ها می‌باشد و تاکنون در این زمینه موارد اختلاف بسیار مشاهده شده

است. به هر حال، این سنت خوب پیروان مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام موجب شده که هماهنگی بین بخش‌های مختلف پیوسته بیشتر گردد. مؤسسه بلال تا دهه هشتاد بیشتر نگاه تبلیغی داشت و درصدد افزایش آموزش مردم بومی و تأسیس مسجد بود. آنها شماری از افراد مستعد و علاقه‌مند را نیز برای فراگیری آموزش‌های لازم به کشورهای اسلامی ایران، هند، عراق، سوریه و نیز هند اعزام کرده بودند. در پی انقلاب اسلامی موضوع دین‌خواهی و هویت دینی در آفریقا از اهمیت بیشتری برخوردار شده و مردم بومی به مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام علاقه‌مندی بیشتری نشان دادند. در همین زمینه، تبلیغات پیروان مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام افزایش یافته و تخصصی‌تر گردید. از جمله، در سال ۱۹۸۴ مؤسسه آموزشی ولی‌عصر (عج) با تمرکز بر آموزش دختران در ۴۰ کیلومتری دارالسلام تأسیس شد و شروع به کار کرد. شعبه‌های «بلال میشن» نیز با مرکزیت مساجد و فعالیت در قریب یکصد مسجد در هر کشور، با حمایت فدراسیون خوجه‌ها به کار خود ادامه می‌داد. (تارنمای بلال میشن آفریقا) گفتنی است سابقه حضور شیعیان در شرق آفریقا به نیمه‌های قرن نوزدهم باز می‌گردد؛ اما تلاش برای جلب بومی‌های آن قاره امر تقریباً جدیدی است که پس از انقلاب اسلامی آغاز شده و خود بومی‌ها نیز بدان علاقه‌مند بوده‌اند، وگرنه به دلیل رفتار اقتصادی شیعیان خوجه، مردم بومی چندان علاقه و تمایلی به آیین خوجه‌ها نداشته و حتی می‌توان گفت نوعی ضدیت و دشمنی نسبت به آنها داشتند. در حال حاضر نیز بین بومی‌های پیرو مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام با خوجه‌ها اختلاف و تنش مشاهده می‌گردد. با این حال، برخی افراد متدین خوجه و علاقه‌مند به تبلیغ، به آن تفاوت‌ها اهمیتی نداده و در جهت افزایش آگاهی مسلمانان و به‌ویژه بانوان می‌کوشند. این نهادها همچنین دارای نشریه و شبکه‌های اطلاع‌رسانی هستند که در شرق به نشریه

«بلال» و شبکه «تبلیغ» می‌توان اشاره کرد. فصلنامه بلال به زبان سواحیلی و انگلیسی منتشر می‌گردد. گفتنی است ماهنامه «المجتبی» تنها نشریه بین‌المللی شیعیان است که توسط بانوان شیعه کنیا تهیه شده و در اقصا نقاط گیتی مشتری دارد. (تارنمای امام رضا)

در اجلاس‌های پیشین کمیسیون آموزش و زنان بلال تصمیم گرفتند تا بررسی و ارزشیابی‌های انجام شده در خصوص اجرای تصمیمات سازمان، در سطح کشوری و در تعامل جدی با پیروان بومی اهل‌البیت علیهم‌السلام متمرکز باشد. آنها همچنین تمامی تلاش‌های خود را با بخش دولتی هماهنگ کرده و عدول از قوانین کشوری را به هیچ وجه نمی‌پذیرند؛ موضوعی که گهگاه از سوی بومی‌های کشورهای شرق و غرب آفریقا نادیده گرفته شده و به چالش‌های بخش دولتی با پیروان بومی اهل‌البیت علیهم‌السلام می‌انجامد. (Levit Zion, 2000, P.351) علاوه بر همکاری با دولتیان، سازمان‌های پیرو مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام بر گفت‌وگوی تعاملی و سازنده با طیف مخاطبان گسترده‌ای از هیأت‌های دولتی در بالاترین سطح، تامتخصصان و سازمان‌های غیردولتی مرتبط با سازمان ملل متحد و حتی نمایندگان کشورهای اسلامی تأکید داشته و به دنبال دریافت کمک و امکانات از آنها هستند. در نشست‌های منطقه‌ای، علاوه بر تبادل تجربیات و استفاده از الگوهای مطلوب، به مشکلات منطقه‌ای نیز پرداخته شده و راه‌حلی از سوی افراد ارائه می‌گردد. علاوه بر اجلاس‌های سالانه که از سوی خوجه‌ها حمایت می‌شود، کارگاه‌های آموزشی پیرو مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام نیز چند بار در سال برگزار می‌شود. در این کارگاه‌ها که بیشتر زنان فعال هستند، موضوعات آموزشی و رفاهی را مطرح کرده و در جهت رفع مشکلات یکدیگر بر می‌آیند. بیشتر سازمان‌های شیعی در آفریقا از نام ائمه استفاده می‌کنند. از این‌رو، شناسایی رویکرد و

اهداف آنها آسان است. گفتنی است آینده مسلمانان و از جمله شیعیان که دارای گذشته خوبی در آفریقا بوده‌اند، در گرو افزایش تلاش‌های تبلیغی - رفاهی و نیز تقویت باورهای مذهبی پیروان آنها می‌باشد. در نشست‌های مربوط به زنان که معمولاً به مناسبت تولد دختر والامقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بسیاری از کشورهای آفریقایی برگزار می‌گردد، شرکت‌کنندگان در خصوص ضرورت تمسک به نقش الگویی آن حضرت بحث و تبادل نظر کرده و تجربیات خود را بیان می‌دارند. البته در آن همایش‌ها مسائل بسیاری از سوی گویندگان و زنان مطرح می‌شود که برخی از آنها مورد موافقت قرار نگرفته و یا حتی موافق با قوانین اسلامی نیست. با این حال، آن مطالب نشان از جدی بودن نشست‌ها و امید مردم به استماع نظرات و آراء تخصصی دارد.

لبنانی‌ها و خوجه‌ها بیشترین سازمان‌های غیردولتی را از نظر درآمد و کارکرد تأسیس کرده و به جنبه مالی سازمان اهمیت بسیار می‌دهند. حال آنکه پیروان بومی اهل البیت علیهم السلام کمتر به مسائل مالی اهمیت داده و چه بسا که بر اساس نیاز و احساس مسئولیت بدان مهم اقدام کرده و چندان تصویر روشنی از آینده نداشته باشند. شاید بتوان گفت که آنها بیشتر به عرضه کار اندیشیده و در امور مالی توکل پیشه هستند. چنان‌که در مورد سازمان شیعیان اوگاندا و یا بومیان شیعه تانزانیا این امر کاملاً مشهود است. البته یکی از دلایل این عدم نگرانی، به روحیه مردم بومی بازمی‌گردد که در امر برنامه‌ریزی چندان ژرف‌نگر نبوده و به توانایی‌های کنونی خود بسنده می‌کنند. دلیل دیگر اینکه این احتمال همواره برای مردم بومی وجود دارد که به لبنانی‌ها، خوجه‌ها و یا نمایندگان کشورهای خارجی اسلامی مراجعه کرده و از کمک آنها بهره‌مند شوند. ضمن آنکه تأسیس سازمان دولتی برای مردم بومی کم هزینه و سهل‌تر است.

آسیب‌شناسی اداره سازمان‌های غیردولتی شیعی

بیشتر سازمان‌های غیردولتی اهل‌البیت^{علیهم‌السلام} بر این باورند که حضور زنان در خانواده مفید است و در صورت ضرورت اشتغال به کار، مشارکت اجتماعی زنان نباید در تعارض با نقش آنها در خانواده قرار گیرد؛ زیرا صلاح و رستگاری جوامع آفریقایی با صلاح و فساد زنان و سپس خانواده و تربیت فرزندان ارتباط مستقیم دارد و باید به این دو مسئولیت توجه لازم شده و در صورت ناسازگاری، حضور زنان در خانه ارجح است. این سخن حقی است که شهرنشینی و دیگر تحولات ناشی از مدرنیته، آن را بر نمی‌تابد. علاوه بر آن، مردها در جوامع آفریقایی، هم به تنهایی قادر به فراهم کردن مخارج زندگی نیستند و هم آن میزان تعهد و التزام نسبت به خانواده را نداشته و به بیش از آنکه به صلاح و سعادت خانواده بیندیشند به دنبال رفاه و شادمانی شخصی هستند. آنها چون از ناحیه زنان دل‌نگرانی ندارند، به اندک احتمالی خانواده را تنها گذارده و زندگی جدیدی را آغاز می‌کنند. حتی برخی از زنان ایرانی نیز از این رهگذر آسیب دیده‌اند. برای مثال، برخی از علمای بزرگ سیرالئون و تانزانیا پس از مدتی زندگی و تشکیل خانواده و صاحب فرزند شدن، آنها را رها کرده و خانواده جدید تشکیل داده‌اند. بنابراین، سازمان‌های غیردولتی اهل‌البیت^{علیهم‌السلام} باید برنامه‌ها و سیاست‌های ویژه‌ای برای بهبود وضع زنان در نظر گرفته و حتی به دولت‌ها پیشنهادهایی ارائه دهند که اجرای آنها به توانمندسازی و تقویت حلقه‌های ضعیف‌تر جامعه بینجامد، وگرنه طوفان هولناک شهرنشینی و مدرنیته که چندی است در آفریقا وزیدن گرفته، بسیاری از امور را متغیر و متحول ساخته و به زوال معنویت و اخلاق و البته نوعی نگرش متفاوت از فرهنگ خواهد انجامید.

شاید علت اینکه بیشتر سازمان‌های اسلامی در آفریقا مذهبی و تبلیغی بوده و به دیگر مسائل اجتماعی چندان علاقه‌مندی نشان نمی‌دهند، نگرش حامیان آن نهادها به امر تبلیغ و مذهب باشد. گرچه باید اذعان کرد که امر تبلیغ و موعظه دینی را می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب‌تر و غیر مستقیم در قالب دیگر فعالیت‌ها پیگیری کرد. از این‌رو، امروزه بیش از هر زمان دیگری، برگزاری گردهمایی‌های مربوط به زنان به ایجاد هماهنگی بین گروه‌های زنان شیعه و رهبران و دولت‌مردان کمک می‌کند. در این گردهمایی‌ها عموماً موارد زیر مورد عنایت قرار می‌گیرد: (تارنمای مجمع اهل‌البیت)

۱. تقویت جنبه علمی و فرهنگی گروه‌های زنان با تشکیل کارگاه‌های آموزشی در سطح محلی و برقراری سلسله بحث‌های علمی چندجانبه بین فعالان زن و علمای دینی منطقه؛

۲. تلاش در جهت رفع فقر مادی و فرهنگی زنان مسلمان آفریقا و به‌ویژه شیعیان از طریق توانمندسازی آنها؛ *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۳. مخالفت جدی با هرگونه رفتار خشونت‌آمیز و تحقیرکننده با زنان؛

۴. برگزاری نشست‌هایی در سطح عالی برای رفع مشکل بانوان؛

۵. حمایت جدی از زنان مسلمان خبرنگار، محقق و مؤلف.

واقعیت این است که آفریقا دیر یا زود به سمت برنامه‌های فقرزدایی، بهبود شرایط انسانی، هموار کردن راه‌های توسعه انسانی با عنایت به اهداف توسعه هزاره، تعمیم سواد آموزی و امکانات بهداشتی، شناسایی حقوق زنان و احترام به عدالت جنسیتی حرکت کرده و آن امور را قانونی خواهد کرد. از این‌رو، بهتر آن است که سازمان‌های پیرو مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام با استفاده از آموزه‌های اسلامی از هم اکنون موضع و

رویکرد خود را آشکار سازند تا پیروان دیگر ادیان نیز با قوانین و اصول اسلامی آشنا شده و ایمان بیاورند که آموزه‌های مبتنی بر وحی بیشترین عنایت را به سعادت و رستگاری مادی و معنوی انسان‌ها دارد.*

برخی بر این باورند که مذهب و قوانین اسلامی در عقب ماندن زنان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و یکی از دلایل پشت صحنه نگه‌داشتن زنان به حساب می‌آیند؛ از این‌رو، سعی در دنیوی کردن برنامه‌های خود دارند. واقعیت این است که قطعاً مذهب در همه جای دنیا و به‌ویژه آفریقا نقش اساسی ایفا می‌کند و در آن خطه نقش تمدن‌ساز داشته است. یکی از مشکلاتی که در حال حاضر مانع از گسترش فعالیت‌های متنوع زنان مسلمان در آفریقا است، عدم شناخت صحیح مردم و زنان از مفاد و قوانین حیات‌بخش اسلامی است.

هرچند در این زمینه فعالیت‌های گوناگونی از سوی نهادهای مربوطه انجام پذیرفته، ولی باید اقرار کرد که این تلاش‌ها به هیچ وجه جوابگوی نیازها نبوده و بسیار ضروری است که سازمان‌های فعال در امور زنان بدان عنایت داشته باشند.

سازمان‌های زنان شیعی آفریقا اگرچه در پی فراهم آوردن جایگاه برتر مادی برای زنان هستند، اما هدفشان ارتقای آگاهی زنان و جوامع آفریقایی از فرهنگ اهل‌البیت علیهم‌السلام است. آنها در بسیاری از کشورهای آفریقایی تلاش و فعالیت داشته و با انجام کارهای آموزشی، خیریه، عام‌المنفعه و بهداشتی در جهت ارتقای جایگاه زنان شیعی تلاش می‌کنند.

* در همین خصوص پیشنهاد می‌شود سازمان اهل‌البیت علیهم‌السلام با تشکیل نشست ویژه‌ای با حضور زنان، به طور جداگانه مسائل آنها را مورد بررسی قرار داده و رویکردهای مناسب را ارائه دهد.

با گذشت بیش از پنج دهه از استقلال آفریقا، زنان همچنان غایب بزرگ زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه به شمار می‌روند. البته این امر بدین مفهوم نیست که آنها در آن زمینه‌ها تلاش نمی‌کنند - که به گفته عنان بیش از مردان رنج و دشواری را تحمل می‌کنند - اما از نظر عرف و قانون اجازه حضور فعالانه در جوامع، مالکیت و ارث‌بری در برخی نقاط و فرهنگ‌ها از آنها سلب شده است.

(Holger, 1995, PP.233-236)

اشتغال زنان در آفریقا با میزان سواد و سطح تحصیلات آنان ارتباط تنگاتنگی دارد. آمارها نشان می‌دهد که میزان اشتغال در زنانی که تحصیلات عالی دارند، ۴ برابر زنان دارای تحصیلات متوسطه و ۱۳ برابر زنانی است که بی‌سواد هستند. در زمینه توانمندسازی آموزشی در آفریقا سازمان‌های غیردولتی در سه دهه اخیر تلاش‌های خوبی در غرب و شرق آفریقا مبذول داشته و اکنون گروهی از زنان که توسط آنها آموزش دیده و یا بورسیه شده‌اند در امور مختلف فعال هستند. (تارنمای اهل‌البیت، شماره ۴۲۳۷)

از این‌رو، مشاهده می‌شود اقدامات هر چند کم دامنه و محدود، اما هماهنگی که در تمام جوامع شیعی آفریقا در جریان است جایگاه زنان را ارتقا بخشیده و آنها را به سطح مطلوبی از زندگی رهنمون ساخته است. گفتنی است که این اقدام در جوامع شیعی اسماعیلیه، بهره‌ و زیدیه با جدیت بیشتری از سوی مسئولان آن نهادها به‌ویژه در خصوص زنان اجرا شده است. (Bakari, 1994, P.236)

یکی از وظایف مهم زنان پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام و سازمان‌های آنها علاوه بر ارتقای جایگاه مادی و معنوی خود در جامعه، حفظ خانه و خانواده و سرپرستی نسبت به

همسر و فرزندان است. به باور بسیاری از جامعه‌شناسان، متلاشی‌شدن خانواده‌ها در غرب ناشی از بی‌توجهی به این مهم است. سازمان‌های غیردولتی پیرو اهل‌البیت علیهم‌السلام بدین ویژگی عنایت داشته و در امر آشناکردن زنان با وظایف همسری و مادری خود می‌کوشند. حتی رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا نیز بدین منظور کارگاه‌ها و همایش‌های متعددی در هر سال در آفریقا برگزار می‌کنند که مفید و مؤثر است.

طی دهه‌های اخیر با اجرای برخی برنامه‌ها و حمایت‌های جهانی، زمینه تحقق «عدالت جنسیتی» در سطح جامعه آفریقا فراهم شده است. این امر موجب گردیده زنان تا حدی به خواسته‌ها و مطالبات حقیقی خود دست یابند. به گفته کوفی عنان، جهان بیش از پیش درک کرده که برابری جنسیتی برای توسعه و صلح هر ملتی حیاتی است. اکنون پس از ۱۰ سال از برگزاری اجلاس پکن و بیست سال پس از اجلاس نایروبی، زنان از حقوق خود بیشتر آگاهند و برای به اجرا درآوردن مصوبات آنها توانمندترند. به باور کوفی عنان، طی این دهه پیشرفت ملموسی در بسیاری از زمینه‌ها مشاهده شده و امید به زندگی و نرخ باروری زنان بهبود یافته است. همچنین دختران بیشتری برای آموزش ابتدایی ثبت نام کرده‌اند. به گزارش ایسنا از قول عنان، تحول در میراث تاریخی که زنان را در بیشتر جوامع ضعیف نگه می‌دارد، نیازمند اجرای گسترده‌تر از آنچه فراگرفته‌ایم است و باید اقدامات ویژه و هدفمند در بسیاری از زمینه‌ها انجام شود. (تارنمای ایسنا، ۱۷ اسفند ۱۳۸۳)

شاید عصاره نوشته‌ها و نقدهای زنان منصف جوامع اسلامی این خرده‌گیری به رهبران مذهبی و عقیدتی باشد که چرا مانع از پیشرفت فردی، سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی آنها شده‌اند. (Haynes, 1996, P.238) همچنین به جرئت می‌توان گفت که بخش اعظمی از محدودیت‌ها و تنگناهای زندگی امروزه زنان مسلمان ناشی از بدفهمی مسلمانان و رهبران سنتی - قبیله‌ای آنها از روح قوانین اسلامی بوده و چندان ارتباطی با قوانین حیات‌بخش اسلام ندارد.

برخی از گروه‌های زنان مسلمان آفریقا عبارتند از:

۱. گروه زنان مسلمان بیله‌ور که با توجه به کثرت فراوان می‌توانند منشأ تأثیر بسیار باشند.

۲. گروه زنان مسلمان دانش‌آموخته و فارغ‌التحصیل؛

۳. گروه زنان مسلمان دانشجویی و دانشجویان؛

۴. گروه وکلا و حقوقدانان زنان مسلمان؛

۵. گروه دینی - مذهبی زنان مسلمان؛

۶. گروه قرض‌الحسنه زنان مسلمان؛

۷. گروه‌های خیریه زنان مسلمان که به مناسبت تشکیل شده و اهداف زمانمند و اصول مشخص ندارند؛ در حالی که در آفریقا نیاز به این گروه بسیار است.

۸. گروه‌های قومی - قبیله‌ای زنان مسلمان آفریقا؛

۹. سازمان آموزشی و تحقیقاتی زنان مسلمان آفریقا؛

۱۰. سازمان زنان مسلمان حمایت از حقوق شهروندی؛

۱۱. نهاد زنان مسلمان برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، اشتغال و کارآموزی و

اجتماع محلی.

سازمان‌های غیردولتی وابسته به اهل‌البیت علیهم‌السلام اگرچه بر اساس درک صحیح شیعیان آفریقایی از اوضاع پربشان اقتصادی و فرهنگی در کشورهای آفریقا تأسیس شده و هدف آنها بهبود شرایط مردم مسلمان است، اما به دلیل برخی باورهای سنتی و خودمحوری‌ها قادر به انجام وظایف واقعی خود نبوده و نیازمند راهنمایی و کمک مالی و معنوی کشورهای دین‌محور می‌باشند. البته آنها به دلیل حضور زمانمند در آفریقا و آشنایی با شرایط منطقه، به خوبی دریافته‌اند که بی‌توجهی به زنان مسلمان و شیعه، موجب شده که زنان به دیگر مؤسسات که باورها و اندیشه‌های غیراسلامی و یا دنیوی دارند روی آورده و بر گمراهی و مشکلات آنها افزود گردد. برای مثال، رئیس سازمان شیعیان بومی تانزانیا (TANZANIA THNAASHARI COMMITTEE) به نگارنده می‌گفت که در منطقه تمکه* در دارالسلام - که به طور سنتی از جمله پایگاه‌های تجمع شیعه به شمار می‌آید - تعدادی از زنان هوادار و تحت آموزش آنها به دلیل ناکارآمد بودن امکانات گروه، به دیگر گروه‌ها و سازمان‌ها پیوسته‌اند. این موضوع را مسئولان گروه‌های اهل‌البیت علیهم‌السلام نایروبی در منطقه کبیرا و رپروتا نیز تجربه کرده و در همایش‌های تشکیل شده در ایران و یا همان مناطق، برای مسئولان و رایزن‌ها بیان کرده و خواستار دریافت کمک بیشتر و رفع آن معضل شده‌اند. همین امر را مسئولان در تانزانیا در منطقه ایستلی دارالسلام، مؤسسه اهل‌البیت در شرق اوگاندا به ریاست عبدالقادر و یا در بوبو در زنگبار - که به طور سنتی پایگاه گروه‌های اهل‌البیت علیهم‌السلام است و مدرسه و مؤسسه امام باقر علیه‌السلام، مسجد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و

* temeke: منطقه‌ای در حومه دارالسلام که حوزه آموزش علوم دینی و خانه‌های معلمان بومی و بسیاری از علاقه‌مندان به کتب اهل‌البیت در آن بخش از شهر قرار دارد.

مدرسه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ریاست شیخ عمر مایونگو، استاد مسیح و شیخ عمر عبدالله در آنجا دایر است و مورد توجه گروه‌های خوجه نیز می‌باشند - تجربه کرده و در همایش پیروان اهل‌البیت علیهم‌السلام در تهران در تابستان ۸۶ آشکارا بیان داشتند. واقعیت این است که معضل سازمان‌های زنان اهل‌البیت علیهم‌السلام ساختاری، بودجه‌ای، برنامه‌ای و آموزشی است. متأسفانه مشاهده می‌شود که مسئولان آن سازمان‌ها و یا در سطحی بالاتر گروه‌های خوجه - لبنانی و برخی حامیان آنها در صورت بذل عنایت به آنها عمدتاً به موضوع آموزشی و بودجه‌ای توجه کرده و به دیگر کاستی‌ها و نابسامانی‌های آنها توجهی ندارند. در آن سازمان‌ها مهم‌ترین هدف و آمال مسئولان برگزاری کلاس‌های آموزشی و یا برگزاری سمینار برای آشنا کردن زنان با وظایف خود و آشنا ساختن آنها با اصول دینی است. این امر اگرچه ارزش و جایگاه خود را دارد، ولی به تنهایی کافی نیست و نیازمند برنامه‌های تکمیلی می‌باشد. در این زمینه، مؤسسه ویباز در تانزانیا و بلال میشن در شرق و جنوب آفریقا دارای چشم‌انداز روشن و اهداف مشخص می‌باشند. آنها اگرچه افزایش دانش دینی را هدف قرار داده‌اند، ولی به آموزش، بهداشت، آموزش حرفه و راه‌های گذران معیشت و حتی تشکیل بخش‌های شیعه‌نشین و ساخت مسجد و مدرسه نیز اقدام ورزیده‌اند. بدین وسیله، آنها جامعه‌ای کوچک را بنا کرده‌اند که تا حدی مؤید و پشتیبان یکدیگر بوده و روحیه اسلامی یکدیگر را تقویت می‌بخشند.* البته به دلیل اینکه جوامع شیعی آفریقایی چندان عنایتی به زنان و مشکلات آنها ندارند، روند پیشرفت آنها کند و مقطعی

* برای مثال، مؤسسه بلال میشن تاکنون بیش از یکصد مسجد و مدرسه در شرق و جنوب آفریقا تأسیس کرده است. آنها همچنین ماهنامه‌ای به نام «نور» به زنان سواحیلی و انگلیسی دارند که در تقویت دینی افراد و افزایش آگاهی اسلامی آنها مؤثر است.

می‌باشد. اینکه کوفی عتاق، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، می‌گوید هیچ ابزاری برای پیشرفت و توسعه، مؤثرتر از صاحب اختیار کردن زنان نیست، سخن درست و مبتنی بر تجربه است. در واقع، تبعیض علیه زنان در هر سن و سالی، نه تنها دختران، بلکه تمامی کودکان را از رسیدن به توان و استعداد خود باز می‌دارد.

یکی از مسائلی که در نشست‌های محلی و منطقه‌ای مورد غفلت واقع شده، توجه به تلاش‌ها و روحیات زنان روشنفکر مسلمان و راهنمایی و حمایت از آنها می‌باشد. در این زمینه، حمایت از تألیفات، پژوهش‌ها و سخنرانی‌های زنان مسلمان و انتقاد سازنده از آنها در صورت لزوم، بسیار ضروری می‌باشد. متأسفانه زنان اندیشمند و مسلمان آفریقایی بعضاً برای ارائه نظرات و کتب خود مجبور به مراجعه به بخش‌های غیردینی می‌شوند که این امر موجب کاهش پیوند آنها با نهادهای اسلامی شده است.

معیارها و شاخص‌های سازمان‌های غیردولتی شیعی در آفریقا: غالب سازمان‌های غیردولتی به‌ویژه فعال در امور زنان، غیرانتفاعی، دارای قانون خاص، غیر وابسته به دولت، غیرسیاسی، مردمی و خودجوش، با سازمان‌یافتگی ضعیف و احياناً ناکارآمد می‌باشند.* آنها به کوشش افراد بومی و با حمایت بخش‌های اقتصادی و یا احساس مسئولیت برخی از شیعیان بومی خارج از قاره تأسیس شده‌اند و عمده تلاش‌هایشان خیریه و آموزشی است.

* بخشی از این امر، تحت‌تأثیر غیربومی بودن آنها و بخشی ناشی از مظلومیت تاریخی پیروان اهل‌البیت علیهم‌السلام است.

نتیجه

هدف غایی سازمان‌های غیردولتی شیعی در آفریقا تربیت گروه‌هایی از زنان و مردان است که در راه گسترش و بهبود توان و قدرت زنان تلاش نمایند، به دوره‌های آموزش عالی راه یافته و سپس با حضور در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مؤثر واقع گردند. از این‌رو، بیشتر آن سازمان‌ها تلاش می‌کنند زنان را در راه تصدی مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و دانشگاهی یاری رسانند. در همین زمینه، سازمان‌های مزبور در پی برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی با همکاران خود در سطح جهانی و منطقه‌ای و با زنانی می‌باشند که سرپرستی سازمان‌های غیردولتی را در اختیار داشته و علاقه‌مند به پیشرفت اقتصادی - اجتماعی بیشتری هستند تا از این طریق به انتقال تجربه و دانش مدیریت سازمان‌ها کمک کنند. واقعیت این است که تنها در ارتباط و تعامل بین‌المللی است که می‌توان با تنگناها و مشکلات داخلی آفریقا مبارزه نمود و موانع سنتی و قانونی را برطرف کرد. البته تأثیر و نقش زنان بنا به نوع سازمان‌های غیردولتی و روحیات افراد و افق فکری آنها متفاوت است. به هر حال، جنبش نوین زنان که از چند دهه پیش با برخورداری از آموزه‌های ناب اسلامی - شیعی در آفریقا آغاز گردیده، به تدریج بالنده شده و از ثمرات آن نه تنها شیعیان، بلکه تمامی مسلمانان و مستضعفان قاره بهره‌مند خواهند شد.

منابع

۱. استیگلتز، جوزف؛ جهانی سازی و مسائل آن؛ ترجمه حسن گلریز؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
۲. جف هینس، دین؛ جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم؛ ترجمه داوود کیانی؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۳. دیویدسون، بزیل؛ آفریقا تاریخ یک قاره، ترجمه هرمز ریاحی و فرشته مولوی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۴. رادنی، والتر؛ اروپا و عقب ماندگی آفریقا؛ ترجمه محمود ریاضی؛ تهران: چاپخش، ۱۳۵۴.
۵. عرب احمدی، امیر؛ تانزانیا سرزمین همیشه سبز؛ تهران: الهدی، ۱۳۸۴.
۶. فانون، فرانسیس؛ دوزخیان روی زمین؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۵۸.
۷. فصلنامه مطالعات آفریقا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، شماره های متعدد.
۸. کتاب سبز آفریقای جنوبی؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۹. کلبری، محسن؛ جامعه شناسی آفریقا (انسان و جامعه)؛ تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، ۱۳۷۸.
۱۰. کورنون، ماریان؛ تاریخ معاصر آفریقا؛ ترجمه ابراهیم صدقیانی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۱۱. گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۱۲. ماکه، ژاک ژروم پیر؛ تمدن سیاهان؛ ترجمه اسدالله علوی؛ مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۱۳. ماهنامه محبوبه انگلیسی؛ شماره ۲۱۰، سال ۲۰۰۲؛
<http://www.itf.org.ir/English/mahjubah/mahjubah%20210.htm#w3>.
۱۴. هیسکت، مروین؛ گسترش اسلام در غرب آفریقا؛ ترجمه احمد نهائی و محمّد تقی اکبری؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
15. Africa Federation, 10/4/2003, UK Professionals set for a Voluntary visit to East Africa. www.africafederation.org/newlook/community_news/xcent.asp.
16. Appiah.k.a and others(eds) Africana encyclopeadia . 1995 . usa.
17. Bakari,Mohamad(ed) Islam in Kenya Nairobi 1994.

18. Bowker, john,(ed), The oxford dictionary of World religions.1997.p1042.
19. Cameroon: Women Want Widowhood Rites HumaniseThe Post (Buea),11 October 2007Christopher Jator Njechu, <http://allafrica.com/stories/200710111050.htm>.
20. Chazon, n(eds), Politics and Society in Contemporary africa, 3rd ed. 1999, Lynne riennner. pub, usa.
21. Haynes,jeff.religion and politics in africa,1996,zed book pub, uk.
22. Holger Bernt, Hansen and Michael Twaddle. Religion and Politics in East Africa. 1995, eas pul. nairobi.
23. IOL: Thechanging role of Africa's women. www.iol.co.za/index.php?set_id=1&click_id=68&art_id=qw107111754327B213-74k.
24. Kurimt0, Eosei and Simonse, simon(eds). conflict, age and power in north east africa, (1998), eastern african studies pub, nairobi.
25. Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa.ohio uni press,usa.
26. Mazrui,Ali(ed)(1993)General History of Africa, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco.
27. Newell, Stephanie, African Women Writing, 1997, zed books, London.
28. Selassie T, Berhanc. Gender issues in Ethiopia, institute of Ethiopian studies. 1991. Addis Ababa.
- 29.fomwan,http://www.britainusa.com/sections/articles_show_nt1.asp?a=47195&j=41058&L1=41012&L2=41058&d=-123-http://www.bbc.co.uk/persian/news/story/0412150/21/5002nh-nigeri-women.shtml.
30. <http://www.sciencedirect.com/science> The role of women in African countries varies greatly.

منابع دیگر

31. Ali,BahatJuma,www.turkishweekly.net/comments.php?id<1975, Friday , 17 March 2006.
32. Assimeng,max,religion and social change in west africa,1989,ghana university press,accra.
33. Bello,sule (ed).culture and decision making in nigeria,1991 , pub by national council for arts and culture,lagos.
34. Fage,J.D.(1996).A History of Africa .Routlrdge,usa.
35. Kodjo, edem. Africa today,1989 ,ghana university press, accra.
36. Manger leif (ed)muslem diversity , local islam in global contexts.1999,curzon press,uk.
37. Mbiti,J.(1969) African Religions and philoaophy (London and Nairobi: Heinemann).
38. Nigeria: Independence-How Far Have Women Come? Daily Trust (Abuja), INTERVIEW, 5 October 2007.
39. Ninsin,kwame,a.and Drah,f,k.(eds)woeli publishing servioeces political parties and democracy in ghana's fourth republic,1993, woeli publishing servioeces, accra.
40. Peil, M.and sada,p.o.African Urban socity(Chichester:Jon Wiley and sons).
41. Ralph,lee,philip. Lerner ,e ,robert(eds) world civilization,the history and their culture,9th ed 1997,norton company.usa
42. Renninger,J.P.(1982), The future of economic cooperation schemes in Africa, with special reference to ECOWAS.
43. Soyinka,W.(1985) The arts in Africa during the period of colonial rule, in A.A.Boahen (ed).
44. The oxford history of the 20th century, oxford,1998,usa.
45. Thomson , Alex,an introduction to African politics. London, 2004.
46. hansen,h,b and twaddle,m.(eds)religion and politics in east africa,1995,villiers pub, uk.